

آیا دولت انقلابی توجه دارد که
قانون تحدید مطبوعات
سر آغازتهاجم‌های دیگر
به حق برخورداری مردم
از آزادیهای مقرر در
اعلامیه حقوق بشر است

شنبه
۳۰
تیر ۱۳۵۸
۲۶ شعبان ۱۳۹۹
۲۱ ژوئیه ۱۹۷۹

پیغام امروز

شماره ۱۱۱ دوره جدید سال بیستم تک شماره ۱۵ ریال

شورای انقلاب و دولت در هم ادغام شدند

نخست وزیر در يك پیام تلویزیونی پایان قدرت دوگانه دولت و شورای انقلاب را اعلام کرد

پست‌های جدید اعضای شورای انقلاب:

خامنه‌ای: معاونت سیاسی وزارت دفاع
هاشمی رفسنجانی: معاونت کنی: معاونت وزارت کشور
باهنر: معاونت وزارت آموزش و پرورش
بنی صدر: سرپرستی مجمع عمومی بانکها

مهدی بازرگان در يك پیام
تلویزیونی با «جمله میخواستم
شما را خوشحال کنم» تصمیماتی
را که در پی مذاکره با رهبر انقلاب
منجر به يك سلسله تغییر و تحول
شده است اعلام نمود.
مهدی بازرگان ضمن اشاره
به نازاحتی دولت از تعدد مراکز
تصمیم‌گیری و عدم وجود همگامی
بین شورای انقلاب و کمیته‌ها با

دولت، توافق و راه‌حلی را که برای از بین بردن تعدد مراکز

در مصاحبه مطبوعاتی همبستگی خلقها اعلام شد:

کنفرانس بزرگ خلق‌ها در مهاباد تشکیل می‌شود

* نماینده‌کردها: ماخواستار برکناری ملاحسنی رئیس کمیته اورمی و ظهیرنژاد فرمانده لشکر اورمی هستیم

کنفرانس همبستگی خلق‌های
ایران که به ابتکار جبهه
دمکراتیک ملی ایران تشکیل شده
بود روز گذشته پایان یافت.
در این کنفرانس، نماینده‌های
عزالدین حسینی، شورای هماهنگی
جمعیت‌های کردستان، جمعیت
کردهای مقیم مرکز، سازمان
چریک‌های فدائی خلق شاخه
کردستان، حزب دمکرات
کردستان، کانون فرهنگی-سیاسی
خلق ترکمن، سازمان دمکراتیک
مردم بلوچستان - خانه بلوچ و
گروه بررسی مسائل آذربایجان

ملت ایران، امروز خاطره شهدای ۳۰ تیر را گرامی می‌دارد
**آیت‌الله زنجانی: بزرگداشت
۳۰ تیر اختصاص به يك یا چند
حزب و جمعیت سیاسی ندارد**

● جنبش ملی مجاهدین،
جنبش برای آزادی، جنبش
مسلمانان مبارز جاما و ماش‌ضمن
انتشار بیانیه‌ای در پاسخ به دعوت
آیت‌الله طالقانی اعلام داشتند که
در مراسم سی‌ام تیر در میدان
بهارستان شرکت خواهند کرد.

آیت‌الله زنجانی روز گذشته
با انتشار بیانیه‌ای اظهار داشتند
که بزرگداشت ۳۰ تیر اختصاص
به يك یا چند حزب و جمعیت
سیاسی ندارد.
در بیانیه آیت‌الله زنجانی
آمده است:

با سلام و احترام به عموم
برادران و فرزندان محترم در تائید
اعلامیه قبلی اشعار میدارد که
موضوع بزرگداشت روز سی‌ام تیر
به موجب قانون و وظیفه ملی است
و اختصاص به يك یا چند حزب
و جمعیت سیاسی ندارد، امیدوارم
همه طبقات با وحدت و صمیمیت
و علاقمندی و بدون شعار خاص
مشارکت فرمایند. انشاء الله تعالی
رضا الموسوی الزنجانی

با سلام و احترام به عموم
برادران و فرزندان محترم در تائید
اعلامیه قبلی اشعار میدارد که
موضوع بزرگداشت روز سی‌ام تیر
به موجب قانون و وظیفه ملی است
و اختصاص به يك یا چند حزب
و جمعیت سیاسی ندارد، امیدوارم
همه طبقات با وحدت و صمیمیت
و علاقمندی و بدون شعار خاص
مشارکت فرمایند. انشاء الله تعالی
رضا الموسوی الزنجانی

در حاشیه:

رفیق سابق من

رفیق سابق من، حالت پسر بچه‌های توبه‌کرده،
و پس از ارتکاب خلاف بزرگ، پشیمان و سرافکننده به
خانه بازگشته را پیدا کرده است.
رفیق سابق من، زیاد هم کم سن و سال نیست.
پارها به زندان افتاده، پارها از شکنجه و بی‌حرمتی
و سیلی خشم قدرت را که تصیب مبارزان می‌شود،
چشیده، پارها برای واکنش خشم خود، در برابر دشمن
پر قدرت و بی‌فرهنگ نیم‌خیز شده، اما باز، حالا که
قرق محله خانوادگی شکسته، احوالت پسر بچه‌های نام
را پیدا کرده است. دائم مثل اینکه چیزی نامرئی، و
از زیر لباس تنش را می‌خورد.
اول فکر می‌کردم، شاید بزرگترها، در خانه پدری،
آنجا که به هر حال باید به حساب گذشته آدمها برسند،
حال او را هم بابت سستی‌ها، و بی‌حالی‌های گذشته
دور، - آن روز که رفقاییش، در دهلیز نیمه تاریک
زندان، به نشانه خشم کفش پاشانرا، به طرف عکس مردک
بیه در صفحه ۷

دزد و خوردهای آذربایجان غربی چند نفر کشته شدند

● خبرهای رسمی آمار کشته‌شدگان را ۳ تن وزخمی‌ها را
۴ نفر گزارش داد
● گزارش‌های تأیید نشده تعداد کشته‌شدگان را ۷ تن اعلام کرد
دزد و خوردهای آذربایجان که چهارشنبه
گذشته بین نیروهای ژاندارمری
مستقر در مرز «سرو» و کردهای
آن مناطق روی داد، چندتن کشته
و زخمی شده‌اند.
يك کامیون ژاندارمری در
این بین طعمه حریق شد و يك درجه‌دار

بیه در صفحه ۸

به استقبال ۳۰ تیر روز فتح و وحدت

احزاب، سازمانها و جمعیت‌ها و انجمن‌های
سیاسی و آزادیخواه، برای مشارکت در خاطره روز
بزرگ سی‌ام تیر سال ۱۳۳۱ آماده می‌شوند. روزی که
اکنون خروش خشم رزمندگان در تهران همچنان
ملین انداز است، ولی بسیاری از آنها که غریبشان،
پشت نخستین توطئه عام دشمن را شکست، در میان
هستند و بسیاری از سازمانها و احزاب امروزی، در
آن روزها هنوز در ذهن فعالان خود نیز وجود نیافته
بودند.

در آن چند سال اوج نبرد ضد امپریالیستی و
ضد دیکتاتوری ملت ایران، جبهه ملی بود، با ائتلاف
چندین حزب، از جمله حزب ایران و حزب زحمتکشان
و حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیست و حکومت
در دستهای آشتی‌ناپذیر دکتر مصدق، رهبر جبهه ملی
و رهبر مبارزه ضد امپریالیستی و حزب توده ایران
بود، که خود فعالیت زیرزمینی گسترده داشت و
انجمنی سازمان و جمعیت علنی فعال که تمام آنها به
اتحادیه‌ها و سندیکاها کارگری و مبارزه جویی طبقه
کارگر متکی بودند. و تاریخ اندک شباهتی به ترکیب
امروزی مبارزان سیاسی داشت.

بیه در صفحه ۷

این ادغام هم

برخلاف توصیه و اعتقاد آقای مهندس بازرگان،
در مورد راه میانه‌یی که برای کاستن از قدرتهای حاکم،
انتخاب شده است، باید گفت مردم خوشحال نباشید.
شورای انقلاب، در شکل کلی خود، می‌توانست -
هر چند که در انتخابش مردم مداخله نداشتند - نقش دقیق و
کامل شورای ملی و شورای انقلابی را در حل و فصل موارد
قانونگذاری، و نقد و بررسی سیاست داخلی و خارجی دولت
عهده دار شود. و از وزیران مسئولیت بخواهد و از
سازمانهای اجرایی، و دولت نیز می‌توانست و باید برنامه-
ریزی اجرایی مستقل می‌داشت، و به کارها، تحرك و نظام و
هماهنگی می‌بخشید.

اما در وضع حاضر، از سویی، دولت موقت انقلاب،
شریک قدرت مقلنه شورای انقلاب شده است، و از سوی
دیگر شورای انقلاب، در محور قدرت اجرایی، حضور
مستقیم و اجرایی پیدا کرده است. و هیچ معلوم نیست
حاصل این آش در هم جوش چه خواهد شد، و چگونه مسائل
عمده و اصلی مسیر طبیعی خود را پیدا خواهد کرد.

اصلا مگر مشکل دولت این بوده که شورای انقلاب،
يك قدرت اجرایی مستقل و مجزا از دولت شده بود، و در
آن واحد چند کابینه را در مملکت اداره می‌کرد؟ و یا

بیه در صفحه ۸

تکرار ناپلئون سازی

در تلویزیون، وجسته‌گریخته درخبرهای مصاحبه
مانند روزنامه‌ها، دستهایی می‌کوشد زمینه افکار عمومی را
برای اعزام قوای نظامی به استانها، برای سرکوب مطالبات
مردم آن مناطق آماده کند.

این تولیدترین نوع بهره‌برداری از وسایل ارتباط
جمعی است، و درست همان کاری است که رژیم سرنگون شده
میلیتاریستی می‌کرد. و مظلوم جنایاتش را بار دوش این
وسیل می‌ساخت، حالا چه ایجاب کرده است که در دوران
انقلاب، مبتنی بر نیروی مردم نیز از همان شیوه بهره‌برداری
شود، معلوم نیست.

اگر مردم انقلاب کرده‌اند، که دیگر ارتش به خود
آنها تعلق دارد، ارتش مردمی است، و نباید وسیله دست
و عامل قدرت جاه طلبانی شود که هوس ناپلئونی به سرشان
زده است. وحد شعورش از شعور رضاخانی ۶۰ سال پیش
فراتر نمی‌رود.

بیه در صفحه ۸

سید عزالدین حسینی :

قانون اساسی باید حافظ حقوق انسانی خلقهای ایران باشد

● دمکراسی در ایران آنگاه استقرار می یابد که خلقهای آن آزاد و خود مختار باشند

شیخ عزالدین حسینی برای کنفرانس همبستگی خلقهای ایرانی فرستاد در پیام آمده است:

سلام و درود من همه برادران و خواهران عزیز که در این سمینار برای بررسی و بحث درباره حقوق خلقهای ایران جمع شده اند. من از همه خواهران و برادران ارجمند جبهه دمکراتیک ملی ایران که ابتکار تشکیل و برپایی این کنفرانس را بر عهده گرفته اند سپاسگزارم و توفیق آنان را در راه تحقق اهداف عالی که برای برقراری دموکراسی و مبارزه با امپریالیسم و استعمار و ایادی آن بردوش همت خود گرفته اند از خدای عزوجل خواستارم و رجاء واثق دارم که ملت بزرگ ایران همواره از مجاهدات و فداکاریهای چنین فرزندان رشید و آزادخواه و انسان دوستی برای نیل به آرمانهای برحق و انسانی خود بهره مند باشد که نیت خیر اینگونه مجاهدین صادق همواره با تأییدات خداوند همراه است.

و از همه شما خواهران و برادران عزیز که بنیاندگی از جانب خلق

شورای انقلاب و دولت

بقیه از صفحه ۱

و مدبریت و اختیار یکجا باشد»

استاندار می رفت فلان کمیته برش می گرداند، دومرد مسلح از طرف يك کمیته ای یا به عنوان سپاهی پاسدار انقلاب می آمدند دکتری که مشغول معالجه است جلش میکردند. بدستور دادگاه انقلاب فرماندهی را که برای ژاندارمری یا برای جای دیگر تعیین شده بود دستور بازداشتش را می دادند یا از کار برکنار میشد. حتی عزل و نصب از طرف بعضی از دادگاههای انقلاب برای کارمندان مسئول گمرک ادارات راه و اتیروگاههای برق صادر می شد.

استغای ۱۱ وزیر

بنابر این کار به جانی رسید که از پس روسا یا مسئولین و مدیرانی که اعزام شده بودند یادر محلشان باقی مانده بودند اعتراض یا استعفا می دادند بدیسی است که به این ترتیب وزیرایمیدیدند نمی توانست کار کنند یعنی کار فلج است و وجودشان بدتر از عدم وجودشان است و بهتر است که يك حاکم و يك دستور دهنده و يك مسئول در مملکت باشد تقریباً پیش از دو هفته و کمتر از سه هفته قبل بود که بطور غیر مترقبه موقعی که هیئت وزارا تشکیل شده بود نامه ای بدست پنده داده شد که ۱۱ نفر از وزراء استعفاشان را اعلام کردند که ما به این ترتیب نمی توانیم کار کنیم. بنده خواهش کردم دست نگاهدارند تا چاره ای بکنیم و یکی دو روز بعد دستجمعی به مقر رفتیم، قبلابم به شورای انقلاب خبر داده بودم که اگر این آقایان بروند جای آنها من کسی را ندارم بگذارم. ما خدمت امام رسیدیم و گفتیم که این رفقا نه برای فرار از زحمت و کار بلکه در برابر اینکه وجودشان را مضر می دانند وقتی بنا شد که در مملکت تعدد قدرت و تعدد فرماندهی باشد بقرول ناپلئون که می گفت يك فرمانده بد بهتر از دو فرمانده خوب است دیگر کار مقدور نخواهد بود اینست که آمده اند استعفایشان را به خدمت شما بدهند ولی این بدان معنا نیست که از کار بخواهند شانه خالی کنند، خیر مای گوئیم، آقایان می گویند که باید مسئولیت

را حل سوم که همین راه حل منطقی بود و پذیرفته شد این بود که شورای انقلاب، دادگاههای انقلاب سپاه انقلاب و کمیته ها سرچایشان باشد. رسالتشان را حفظ بکنند.

و چون هیچکدام غلط نیستند منتهی تدبیری باندیشیم که این تعدد و تفرق وجدایی که حاد اقلش باعث اذلال وقت و اختلاف کلمه می شود از بین ببریم یعنی وحدت کلمه در سراسر مملکت باشد، رهبر واحد باشد که همه از او تمکین کنند، محور واحد باشد که دولت باشد. آنچه از مقسامات مؤثر و عامل مسئول است در طول این محور عمل بکنند نه آنکه جدا از هم.

به این ترتیب تصمیم گرفته شد که کاری بکنیم که شورای انقلاب و دولت در هم ادغام بشوند و آن ترتیب این شد که عده ای از شورای انقلاب بیایند وارد دولت شوند و مسئولیت بعهده بگیرند و وارد امور اجرایی شوند و عده ای از هیئت دولت هم برگردند به شورای انقلاب بطوریکه در دولت شورای انقلاب دارای اکثریت باشد. در شورای انقلاب هم دولت دارای اکثریتی باشد به این ترتیب اینها

خلق عرب صورت می گیرد بدین نحو اعلام میکنیم: ● مسئولین دولتی با دستگیری وسیع مبارزان خلق عرب و یورش های شبانه به منازل مردم و بستن کانون های سیاسی و فرهنگی خلق عرب محیطی از رعب و وحشت آفریده اند. ما ضمن محکوم نمودن این شیوه های وحشیانه در برخورد با خواست های مشروع خلق عرب خواستار آزادی مبارزان زندانی و بازگشایی کانون های فرهنگی و سیاسی هستیم.

● محاکمه های سری و اعدام عجلانه پنج تن از جوانان خرمشهر را در تاریخ ۵۸/۲/۲۴ و ۵۸/۴/۲۵ راکه در کمتر از ۶ ساعت صورت گرفته و حتی روی دادگاههای فرمایشی رژیم آریامهری را سفید کرده و هرگونه فرصت دفاع را از متهمین گرفته و برخلاف موازین حقوقی و قضائی بین المللی بصورت غیر علنی انجام شده محکوم است. ما خواهان متوقف شدن اینگونه محاکمه های فاشیستی در تمام ایران هستیم.

● ما خواستار قطع کشتار خلق عرب، برکناری و محاکمه مسببین کشتارهای اخیر و در راس آنها مدنی استاندار نظامی خوزستان پاسخ دادند.

می شوند دو بدن و دو پیکر ولسی دارای روح واحه که از طریق وحدت و اکثریت و مشورت و روی وحدت کلمه جلو می روند. بنابر این دیگر آن انتظار و آن اختلاف آراء که دولت بنشینند و نظری دهد و بپیرد شورای انقلاب آن را نپذیرد و کاری بکنند. آنوقت کسانی هم از شورای انقلاب وارد دولت خواهند شد که مسئول و مدیر و عهده دار همان قسمتهایی که تابحال باعث تعارض و تصادم می شد هستند، یعنی کمیته های امام پاسداران انقلاب و دادگاههای انقلاب و همچنین قسمت تبلیغات رادیو - تلویزیون که اینها یکجا و یکپارچه کار کنند.

بنابر این اینکه سپاهیان انقلاب وجود دارند و قبلا هم سپاه انقلاب در شورای هماهنگی شان که از سه نفر تشکیل می شود یک نفر نماینده دولت بود حالا در واقع مثل اینکه صدر صده جز دولت هستند و نمایندگان شان و معرفی شان در دولت حضور دارند کمیته ها هم همینطور و قسمت دادگاههای انقلاب هم، آنها هم بلحاظ آزادی در قضاوت یعنی استقلال در قضاوت، استقلال دارند ولی بلحاظ تشکیلات و اداره تسایع دولت خواهند بود که اعمال بصورت يك کاسه و به يك نحو صورت بگیرد

دو نفر از آقایان شورای انقلاب البته نظری بود بلحاظ هیئت دولت هیچ اشکالی نداشت که پست وزارت را به آن آقایان تفویض کنیم ولی اینطور ترجیح داده شد که سمت معاونت ولی معاونت رسمی که مسئول و مجری و صاحب رای در هیئت دولت باشند دو نفر از آقایان در وزارت کشور تشریف دارند. آقایان هاشمی رفسنجانی و مهدوی کنی، یکنفر، بعنوان معاون سیاسی وزارت دفاع جناب آقای سیدعلی خامنه ای، یکنفر در وزارت دارایی که بیشتر سرپرستی مجمع عمومی بانکهای ملی شده را بعهده خواهند داشت و آقای بنی صدر یکنفر معاونت وزارت آموزش و پرورش جناب دکتر باهنر. رادیو تلویزیون هم که راسا کلا جزئی و تابع دولت است و حساب جدا ندارد.

منتهی به واسطه اهمیت و حساسیتی که رادیو تلویزیون در مملکت دارد شورای مدیریتی دارد که قبلا افرادش معلوم شده بودند که البته ابداع از رئیس دولت می گیرند ولی در بحث و شورشان روی آن خط مشی کلی انقلاب و دولت و جمهوری اسلامی و خواستها و نظریات رهبری انقلاب، رهبری ملت در نظر خواهند داشت ولی مجری یکنفر خواهد بود که مسئول اداره کار را بعهده خواهد داشت و نظر درست هم هیچوقت این نبوده ضمن اینکه رادیو تلویزیون انطباق و هماهنگی با سیاست عمومی دولت خواهد داشت به لحاظ

و ابوالقاسم ستاریسان دادستان دادگاه انقلاب اسلامی اهواز هستیم. پس از قرائت قطعنامه کانون فرهنگی-سیاسی خلق عرب رئوس کلی خودمختاری تسوسط نمایندگان جبهه دمکراتیک ملی خوانده شد. در قسمتی از بیانییه گفته شد: ما در اینجا صریحا اعلام میکنیم هیچ يك از ملیت های ایران خواهان تجزیه یا جدائی از ایران نیستند ما خواهان حق تعیین سرنوشت خویش در محدوده جغرافیائی ایران و تأکید آن در قانون اساسی هستیم. خواهان حکومت فدرالی هستیم که در آن برای همه ملتها با توجه به احتیاجات آنها امکانات رشد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراهم گردد. ما عمیقاً متقدیم وحدت جغرافیائی کشور ایران با پهرسیت شناختن حق تعیین سرنوشت خودمختاری برای ملت های ساکن در این کشور تحقق خواهد یافت نه از طریق فشار و سرکوب ملتها توسط حکومت مرکزی.

پس از آن نمایندگان کردها و کانون فرهنگی سیاسی خلق عرب و ترکمن به سوالات خبرنگاران پاسخ دادند.

● ما خواستار قطع کشتار خلق عرب، برکناری و محاکمه مسببین کشتارهای اخیر و در راس آنها مدنی استاندار نظامی خوزستان پاسخ دادند.

● ما خواستار قطع کشتار خلق عرب، برکناری و محاکمه مسببین کشتارهای اخیر و در راس آنها مدنی استاندار نظامی خوزستان پاسخ دادند.

● ما خواستار قطع کشتار خلق عرب، برکناری و محاکمه مسببین کشتارهای اخیر و در راس آنها مدنی استاندار نظامی خوزستان پاسخ دادند.

مهدوی کنی و هاشمی رفسنجانی در وزارت کشور

دربی پنخس پیام تلویزیونی مهندس بازرگان نخست وزیر هاشم صباغیان وزیر کشور در یک گفتگوری تلفنی باخبرگزاری پارس گفت بدلیل مسئولیت سنگین و اهمیت وظایف وزارت کشور در سبایل داخلی لازم بود کمیته های انقلاب و سپاه پاسداران انقلاب در این وزارتخانه ادغام و همکاری نزدیک با شهربانی و ژاندارمری داشته باشد. وزیر کشور اعلام کرد پیرو این تصمیم که مراکز تصمیم گیری در یک محصور متمرکز و همکاریها نزدیکتر بشود قرار شد آقای مهدوی کنی سرپرست کمیته های انقلاب در سمت معاونت امور کمیته ها و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در سمت معاونت امور سپاه پاسداران در وزارت کشور همکاری کنند. آقای صباغیان با اشاره باین نکته که تا قبل از این تصمیم نیز همکاری بین اعضای دولت و اعضای شورای انقلاب وجود داشت ولی بدلیل وجود سلسله مراتب مسائل و مشکلات آنطور که میخواستم حل نمیشد گفت طبیعی است که مسئولیت وزارت کشور بسیار سنگین تر شد ولی با این اقدام مشکلات سریع تر حل و فصل میشود. وزیر کشور در پاسخ باین سوال که آیا فکر نمیکنید تعدد مراکز تصمیم گیری که قبلا مشکلاتی برای دولت فراهم آورده بود با این اقدام منجر بایجاد تعدد مراکز تصمیم گیری در سطح وزارت خانه بشود گفت این آقایان ضمن عضویت در شورای انقلاب در هیئت دولت هم شرکت میکنند و مسئولیت مشترک در دولت خواهند داشت و امیداریم مشکلات جزئی نیز که تابحال وجود داشته حل شود و این همکاری راه را برای پیشبرد اهداف انقلاب هموار نماید. وزیر کشور در پایان این گفتگو اظهار داشت که آقای مهدوی کنی از فردا در وزارت کشور مستقر میشود و همکاری اسلام هاشمی رفسنجانی پراز بجهودی کامل فعالیت خود را از سر خواهد گرفت.

بیان کننده افکار عمومی حالت دمکراتیک را حفظ میکنند و سانسور به آن معنا که فقط يك رای يك نظر وجود داشته باشد نخواهد بود.

مهدی بازرگان این توافق را میتوان همان خبر خوشحال کننده اعلام داشت و تأکید کرد که انتظار دارد از این پس با وحدت در کار در برابر مشکلات پیروز شوند و سایر مقامات هم در همین کانال بکار بپردازند.

زدو خورد تظاهر کنندگان ونیروهای ارتش در پرو

خبرگزاریها از لیمیا پایتخت پرو گزارش دادند که در پایتخت و بعضی شهرهای این کشور بین نیروهای دولتی و تظاهر کنندگانی که اعتصاب همگانی ۲۴ ساعته اعلام کرده بودند، زدو خوردهایی صورت گرفت و عده ای کشته و زخمی شدند.

یک زن نخست وزیر پرتغال شد

خانم ماریا داور از سوی آنتنیو اینش رئیس جمهور پرتغال برای تشکیل کابینه در این کشور انتخاب شد. خانم دولور که ۴۲ سال دارد قبلا نماینده پرتغال در یونسکو بود. خانم دولور که مهندس شیمی است در دوران دیکتاتوری در پرتغال، که به سال ۱۹۷۴ با انقلاب میخکها سرنگون شد، بعنوان یکی از چهره های سرشناس مبارزه می کرد.

قیام ملی سی تیر اوج نهضت ضد استعماری مردم ایران

در آستانه بیست و هفتمین سالگرد قیام ملی سی تیر خاطره پیروزی مردم قهرمان ایران بر استعمار و ارتجاع را گرامی میداریم و یاد پیرشکوه شهدای بیخون خفته این قیام خونین که پیشتر از آن نهضت انقلابی مردم ایران می باشد و یاد همه شهدای جنبش ضد استعماری مردم ایران را زرج میگذاریم.

قیام ملی سی تیر اوج پیرشکوه و خونین نهضت ضد امپریالیستی مردم ستمدیده ایران است. راستای این نهضت که هدفش قطع سلطه بیگانگان و استقرار حاکمیت ملی است بر انقلاب مشروطیت ایران استوار است. انقلاب پرافتخار مشروطیت ایران که با هدف سرنگونی نظام استبدادی و برچیدن بساط خودکامگی صورت گرفت به پیروزی رسید اما مرتجعین و عمال استبداد در سایه سیاست های امپریالیستی بیگانگان مانع تحقق هدف اصلی انقلاب که حاکمیت ملی و حکومت مردم بر مردم بود شدند. بابرقراری دیکتاتوری بیست ساله رضاخان امپریالیست سطره خود را بر مردم ستمدیده ایران تحکیم کردند. چالو و تاراج نفت ایران، این سرمایه و ثروت عظیم مردم ایران بوسیله استعمار انگلیس و عاملین مرتجع و چابکداز داخلی در چنین شرایطی آغاز میشود. ملت آگاه و حق طلب ایران علیه ظلم و ستم حکومت های استبدادی و علیه امپریالیست های غارتگر فریاد برمی آورد، فریاد علیه استبداد، فریاد علیه استعمار و فریاد علیه تاراج نفت. ادامه این نهضت در سال ۱۳۲۸ اوج عظیمی میگیرد و این نهضت، نهضت ملی شدن نفت نام میگیرد.

نهضت ملی شدن نفت یعنی جنبش مردم ایران علیه سلطه بیگانگان، علیه استعمارگران، علیه مرتجعین و عاملین داخلی امپریالیسم، علیه شاه چابکداز و حکومت های سرسپرده مجریان بی چون و چرای امپریالیسم. نهضت ملی شدن نفت با مبارزه پیگیر و همه جانبه مردم ایران و رهبری خستگی ناپذیر مصدق کبیر به پیروزی رسید.

آنروزها که این مبارزه عظیم جریان داشت، جهانیان پیگیرانه این مبارزه را تعقیب میکردند، زیرا، نهضت مردم ایران جنبش ملل شرق علیه امپریالیسم بود. و پاییزی این نهضت بود که ملت های ستمدیده شرق در یافتند چگونه با مبارزه پیگیر و گسترده، با تلاش و ایثار، با وحدت و یکپارچگی، با دست خالی، با خون، می توان بساط استعمارگران را برچید و بر سلطه استعمار خاتمه داد. سی تیر نقطه اوج این وحدت و یکپارچگی و همبستگی بود. اینکه نهضت ملی شدن نفت را تنها در خلغ دید از یک شرکت بیگانه و «ملی کردن نفت» خلاصه کنیم تنها به یک بعد و به یک جنبه از مبارزه عظیم مردم ایران علیه استعمار و استعمارگران نظر افکنده ایم. بعد عظیم این نهضت و جنبه اصلی این مبارزه سترک برچیدن بساط امپریالیسم انگلیس است که سطره شوم خود را در تمام شئون کشور ایران گسترده بود. پیروزی این نهضت نقطه آغاز پیروزی نهضت های ضد استعماری ملل زیر سلطه استعمار بود. بعد از قیام ملی سی تیر نهضت ضد استعماری مردم مصر به پیروزی میرسد. و بعد نهضت مردم الجزایر علیه استعمار فرانسه...

سی تیر روز پیروزی مردم ایران در مبارزه علیه شاه عامل سرسپرده استعمار است که خود را در پشت دولت قوام پنهان کرده بود. در سی تیر فریاد «مصدق پیروز است» در همه جا طنین افکن بود و این بمعنای مردم پیروز است، مبارزه مردم علیه امپریالیسم پیروز است و بمعنای مرگ بر امپریالیسم و مرگ بر شاه بود.

حاصل مبارزه عظیم مردم ایران، کار سترک مصدق «ملی کردن نفت» نبود، در هر نوردیدن تومار سلطه استعمار بود، اینک در آستانه این قیام ملی تگاهی گذرا به سیر این نهضت از آغاز تا پیروزی درسی تیر می افکنیم.

الف: نهضت ملی شدن نفت

فریاد خشم و اعتراض مردم ایران علیه سلطه بیگانگان و تاراج ثروت ملی ایران از گلوی مصدق بزرگ در مجلس چهاردهم طنین افکن شد. مصدق با اجرای سیاست موازنه منفی نسبت به تمام مسایل و وقایع سیاسی که در مجلس چهاردهم جریان داشت مبارزه با نفوذ و سلطه بیگانگان و کسب امتیاز جدید توسط آنان را آغاز کرد. مصدق قانون منع اعطای امتیاز بهره برداری از منابع نفتی و دیگر ذخایر طبیعی کشور را در یازدهم آذر، ماه ۱۳۲۳ از تصویب مجلس گذراند. با تصویب این قانون اولین سنگ بنای قطع سلطه بیگانه از کشور گذارده میشود. جنبش نفت در روز بروز گسترش بیشتری میابد و تلاش سلطه گران هم برای تثبیت سلطه خود و به تزیاید میگذارد. انگلیس نهضت در مجلس موجب تصویب قانونی میشود که بر اساس آن دولت مکلف میگردد تا در کلیه مواردی که حقوق ملت ایران نسبت به منابع ثروت کشور مخصوصا نفت مورد تضییع قرار گرفته میشد اقدام به استیفای حقوق ملت بنماید. بدنبال آن در تیر ۱۳۲۸ یعنی آخرین روزهای مجلس پانزدهم قرارداد الحاقی که نتیجه مذاکرات گس - گلشایان در مورد تجدیدنظر در قرارداد ۱۳۱۲ بود در مجلس طرح میشود. دولت سعی داشت از ترکیب ارتجاعی مجلس پانزدهم استفاده کرده و قرارداد الحاقی را در فرصت کمی که در پیش بود تصویب بفرماید. اما اعتراض مردم ایران و تلاش های مصدق اگرچه در مجلس پانزدهم نمایندگی نداشت دولت را در انجام مقصود خود ناکام کرد و ادامه کار بررسی لایحه موکول به تشکیل مجلس شانزدهم گردید. با شروع انتخابات دوره شانزدهم مجلس مبارزات مردم ایران گسترده و گسترده تر میشود.

مصدق مبارزه تازماری را آغاز میکند. مصدق با توافق یاران مبارزش به جریان انتخابات دوره شانزدهم اعتراض میکند و باین منظور در مهر ۱۳۲۸ در کاخ مرمر متحصن شده و دست به اعتصاب غذا میزنند. انتخابات پس از یک بار ابطال در اسفند ۱۳۲۸ انجام

و مصدق و همزمانش به مجلس میروند و با استفاده از این سنگر کار مبارزه را وسعتی تازه میبخشند. در این دوره کمیسیون نفت مجلس برای بررسی قرارداد نفت تشکیل میشود ریاست این کمیسیون را مصدق بعهده میگیرد. کمیسیون نفت اقدام به بررسی قرارداد الحاقی می نماید.

امپریالیسم انگلیس و حامیان داخلی برای مقابله با موج اعتراضات و سرکوب جنبش رزم آرا راوی کار می آورند یا این امید که با نخست وزیری رزم آرا کار قرارداد الحاقی بی پایان میرسد. کمیسیون نفت پس از مطالعات و بررسی ها سرانجام در نوزدهم آذر ۱۳۲۹ مخالفت خود را با قرارداد الحاقی اعلام و ضمن پیشنهاد ملی کردن نفت را در مجلس مطرح می نماید. این پیشنهاد بوسیله نمایندگان جنبه ملی عمو کمیسیون نفت مطرح شده بود.

رزم آرا با توجه به گسترش بی سابقه جنبش مردم و توجه پیگیر و گسترده افکار عمومی به مسئله نفت بمنظور جلوگیری از طرح و تصویب لایحه ملی شدن نفت قرارداد الحاقی را از مجلس پس گرفت و گفت دولت برای استیفای حقوق ملت ایران از نفت اقدامات دیگری بعمل خواهد آورد. و این اقدام طرح تقسیم ۵۰-۵۰ عواید نفت بود. فکر ملی کردن نفت و قطع سلطه امپریالیسم انگلیس که بر تمام شئون کشور گسترده شده بود از مدتها پیش در سطح کشور و در میان توده مردم طرح شده بود. اوج تازه ای به نهضت میدهد و استعمارگران و حامیان داخلی آنها را هر روز با مشکلی تازه مواجه میسازد. دولت های سرسپرده استعمارگران از هر گونه مقابله در راه ملی شدن نفت فروگذار نمی کنند. رزم آرا در روز شانزدهم اسفند ۱۳۲۹ ترور میشود. کمیسیون نفت کار ملی کردن نفت را دنبال میکند. و سرانجام مبارزات عظیم و گسترده ملت ایران و تلاشی خستگی ناپذیر مصدق و یارانش در مجلس به پیروزی ملت میانجامد و ماده واحده ملی شدن نفت در روز ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس شورا و در روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس سنا به تصویب رسید. تا این تاریخ نفت ایران، یعنی ثروت عظیم مردم ستمدیده ایران پنجاه سال با وابستگی سرسپردگان امپریالیسم و با یکارگرفتن قدرت ضد خلقی و سرکوب در اختیار استعمارگران قرار گرفته بود. امپریالیسم برای تثبیت سلطه خود در تاراج نفت در تمام شئون کشور نفوذ کرده و تمام سر رشته های قدرت را در اختیار گرفته بودند شاه و دولت های حاکم هم چیره خوار و غلامان سرسپرده و نمایندگان بی چون و چرای امپریالیسم بودند. با حصول این پیروزی مبارزه برای قطع سلطه بیگانگان به مرحله تازه ای می رسد. این پیروزی در سایه مبارزات همه جانبه مردم ایران و تلاش خستگی ناپذیر مصدق و یاران مبارزش در جنبش ملی شدن نفت بدست آمد.

در اینجا برای شناخت همه نیرو های فعال در جریان نهضت ملی کردن نفت باید از حزب توده نام برد، موضع حزب توده در مقابل جنبش ملی کردن نفت دنباله حرکت این حزب در مجلس چهاردهم بود. نمایندگان حزب توده در مجلس چهاردهم هنگام طرح لایحه تحریم اعطای امتیاز بهره برداری منابع طبیعی، با مصدق مخالفت میکردند ضمنا در همین مجلس از اعطای امتیاز نفت شمال بشوروی که مصدق با آن بشدت مبارزه میکرد حمایت نمیدادند با این استدلال که اگر انگلیس در جنوب ایران دارای امتیاز نفت است چرا شوروی امتیاز مشابهی در شمال نداشته باشد. امپریالیسم آمریکا که از مدتها پیش در پی فرصت مناسبی برای چنگ اندازی به منابع نفت ایران بود بعد از وقایع سال های ۱۳۲۴ و ۲۵ سلطه خود را در ایران گسترده و در میان مرتجعین و حکومت های سرسپرده دربار جای پای مناسبی بدست آورده بود و تلاش خود را برای دریافت سهم خود از تاراج نفت آغاز کرد. حزب توده جریان ملی شدن نفت را ناشی از تضاد در امپریالیسم میدانست و معتقد بود که جریان ملی شدن سرانجام بسود یکی از آنها پایان خواهد گرفت و بهمین مناسبت در مقابل طرح ملی شدن نفت ایران و بجای پیوستن به مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران در نهضت ملی شدن نفت شعار الفای امتیاز نفت جنوب را در میداد. تردیدی نیست که تضاد امپریالیسم آمریکا و انگلیس زمینه مساعدی را در جریان ملی کردن نفت ایران پیش آورده بود. اما مهم این بود که ملی کردن صنعت نفت پیش از آنکه بسود این یا آن باشد فقط بسود و صلاح ملت ایران بود و مصدق با علم به این موضوع و با آگاهی کامل به این تضاد استیفای حقوق ملت ایران به ملی کردن نفت اقدام نمود و تمام کوشش خود را برای پیشبرد جنبش ملی مردم ایران در استفاده از تضادها بکار برد.

قانون ملی کردن نفت پس از این دست و آن دست کردن های فرصت طلبانه بسیار سرانجام در تاریخ دهم اردیبهشت ۱۳۳۰ به «توشیح» رسید. قانون اجرای ملی کردن نفت یا قانون خلع ید که در نه ماده تنظیم شده بود در سیزدهم اردیبهشت ۱۳۳۰ تصویب رسید در این تاریخ مصدق که نخست وزیری ملت را بشد تصویب قانون خلع ید پذیرفته بود در این مقام شروع بکار کرد.

مصدق راه دشواری در پیش داشت. ادامه کار اجرای ملی کردن نفت «مقابله با امپریالیسم زخم خورده انگلیس و سرسپردگان داخلی یعنی شاه و ارتش مرتجعین ... مبارزه با امپریالیسم انگلیس در سطح جهان برای اثبات حقانیت و احقاق حقوق ملت ایران، مقابله با امپریالیسم نوپای آمریکا در ایران که فکر بهره گیری از ملی شدن نفت ب نفع خودش را در طرح داشت و مقابله با عمال داخلی آنها، اداره و حل مشکلات اقتصادی کشور در حالیکه به درآمد نفت نمیتوانست اتکالی داشته باشد و سرانجام مبارزه با کارشکنی های بی حد و حصر حزب توده که سیاستش هواره سیاست موازنه مثبت به نفع شوروی بود.

قانون اجرای ملی کردن نفت عملی میشود، خلع ید از شرکت

نفت انگلیس در بیست و نه خرداد ۱۳۳۰ انجام میشود. انگلیس در چهاردهم خرداد ۱۳۳۰ به دیوان لاهه شکایت میکند. آمریکا هریمین را بایشنهادی برای بهره گیری از نفت ملی شده بایران میفرستد ماموریت هریمین به شکست میانجامد زیرا قرار ملی شدن نفت این نبوده است که کسی برود و کس دیگری بجایش بنشیند. انگلیس به یاد میانی آمریکا اصل ملی شدن نفت ایران را میدهد اما ادعاها و خواسته های را پیش میکشد، برای حل اختلافات مسیون استوکس را بایران اعزام می نمایند. ماموریت مسیون استوکس به شکست می انجامد بدون تحصیل نتیجه ایران را ترک میکند. در نتیجه این شکست انگلیس در مهر ۱۳۳۰ در شورای امنیت علیه ایران طرح شکایت میکند همزمان مصدق کلیه کارشناسان نفتی انگلیسی را از ایران اخراج میکند. با اخراج آخرین کارشناس انگلیسی در تاریخ دهم مهر ۱۳۳۱ ایران پس از پنجاه سال صنایع نفت خود را بصورت خویش درمی آورد. دولت انگلیس هم - زمان با طرح شکایت در مجامع بین المللی خرید نفت ایران را تحریم نموده و اقدام به محاصره اقتصادی ایران مینماید. اقدام به انواع تحریمات و کارشکنی ها و طرح دسیسه ها وسیله مرتجعین و عمال داخلی خود که در همه جا نفوذ داشته و شاه در راس آنها قرار داشت مینماید. مصدق میگفت:

..... عمال انگلیس در مجلس، عمال انگلیس در دولت، عمال انگلیس در جامعه، عمال انگلیس در دربار و بالاخره در همه جا وجود دارد»

بدنبال همین تحریمات و خرابکاریها است که مصدق در اول بهمن ۱۳۳۱ تمام کنسولگریهای انگلیس در ایران را تعطیل میکند و به این ترتیب آشپانه های جاسوسی انگلیس از پهنه کشور برچیده میشود. برای کمک به بنیه اقتصادی کشور که از درآمد نفت محروم بود مصدق در مرداد ماه ۱۳۳۰ اقدام به انتشار اوراق قرضه مینماید و از مردم میخواهد تا هنگامیکه نقشه های اقتصادی دولت به مرحله اجرا درآید با دولت کمک و همکاری نمایند. حزب توده خرید اوراق قرضه را تحریم میکند. او اوراق قرضه توسط پیشینه - و ران، کسبه، بازاریان، سرمایه داران کوچک و تا حدی سرمایه داران بزرگ خریداری میشود.

انتخابات دوره هفدهم مجلس در بهمن ماه ۱۳۳۰ انجام میشود در این انتخابات وابستگان امپریالیسم، مرتجعین، وابستگان دربار، عمال بیگانه موفق میشوند کرسی های زیادی را اشغال نمایند.

قیام ملی سی تیر

مصدق در خرداد ۱۳۳۱ در راس هیاتی برای شرکت در دیوان داوری به لاهه می رود و مدت یک ماه خستگی ناپذیر و بی وقفه به کارهای حقوقی دفاع از حقانیت ایران میگذراند. مصدق در حالیکه به پیروزی ایران در لاهه امیدوار بود در دوم تیرماه به ایران باز میگردد. امپریالیسم انگلیس که از پیروزی در مجامع بین المللی مایوس شده بود و کار نفت ایران را از طرق حقوقی تمام شده میدانست چاره را جز در همکاری و هماهنگی با امپریالیسم آمریکا نمی بیند و آمریکا هم به نتیجه مشابهی میرسد. باین ترتیب کار تضاد در قدرت امپریالیستی به توافق میرسد و عملیات مشترکی را برای مبارزه با دولت ملی ایران طرح ریزی میکنند.

نفتکش رزماری پس از پارگیری نفت ایران و حرکت بسوی ایتالیا بقدرت نیروی استعماری انگلیس در عدن توقیف میشود. مصدق که دیگر مسائل خارجی را حل شده میدانست تصمیم به حل مسئل داخلی کشور میگیرد و در تعقیب این فکر و با توجه به حادثه نفتکش رزماری طرح اقتصاد بدون تکیه بر درآمد نفت را در دوازدهم تیرماه به مردم ارائه میدهد و در راه نیل باین مقصود تکیه به هیچ نیروی جز نیروی لایزال ملت ایران نداشت. اما در اجرای این طرح عاملین استعمار و سرسپردگان بیگانه را در مقابل داشت، ارتش و دربار و لانه های ضد ملی دیگر را در مقابل داشت مجلس هفدهم را که بصورت پایگاهی برای امپریالیستها درآمده بود را در مقابل داشت. با کشایش مجلس هفدهم مصدق بر اساس آئین مجلس در چهاردهم تیرماه استعفا میدهد و در پیامی باین مناسبت به مردم ایران میگوید:

«هموطنان عزیز.... اینک دولت اینجانب پیشرفتی حاصل نمود و توانست ریشه درخت کهنسال استعمار را از این سرزمین برکنند هیچ نبود غیر از همراهی اکثریت قریب باتفاق مردم مملکت. چنانکه همه میدانند در آغاز کار حتی عوامل شناخته شده شرکت سابق نیز چاره ای جز آن ندیدند که به پیروی از افکار عمومی خود را با این نهضت ملی هم آهنک نشان دهند اما یقین بود که این عنده از پای نخواهند نشست و در شهن و به تدریج زمینه را برای بازگشت واضع سابق فراهم خواهد ساخت. حریف ما هم که با همه گذشتها حاضر برای حل این مشکل نشد بواسطه اطمینانی بود که به این دست از آیدای خود داشت. شما ملت ایران اکنون به چشم خود می بینید پایه انحطاط اخلاقی این گروه به حدی رسیده است که حاضرند امثال ملی ایران به نتیجه نرسد تا چند روزی بیشتر بر بساط اهریمنی خویش تکیه زنند. این بنده خدمتگزار که اکنون پس از یکسال و چند ماه مبارزات شبانه روزی که خود با کمال میل و از روی رضا و رغبت برای خدمت به این آب و خاک نموده ام به حکم وظیفه قانونی استعفا خود را تقدیم میکنم. هموطنان عزیز همانطور که اینجانب با ایمان کامل به حصول نتیجه این مبارزه قدم پیش نهادم با همان ایمان بلکه صد چندان بیش از آنچه در آغاز کار بود زمام اختیار را از دست میگذارم و میدان را برای دولت آینده که باید به موجب اراده ملت بر سر کار آید باز گذاشته و بدون آنکه ذره ای احساس خستگی کنم یازهم خود را در صورتیکه مجلسین بخواهند برای ادامه این نهضت به اختیار ملت ایران میگذارم.....»

در تابستان هم مدرسه‌ها را باز می‌کنیم!

از طرف آموزش و پرورش بخش‌نامه‌ای مبنی بر بسته بودن مدارس در طول تابستان و فعالیت تنها دو مدرسه انتصاب شده در هر بخش صادر شده است. دانش‌آموزان مدارس مختلفی تدارکات وسیعی برای بیشترآموزی خود در مدارس دیده بودند. دانش‌آموزان با امید اینکه تابستان امسال با سالهای پیش فرق خواهد داشت به دنبال دایرکردن کلاس‌های علم‌آموزی، کتابخانه و یالابدن هرچه بیشتر آگاهی و بینش خود در طول تابستان بودند و اینک درهای مدرسه‌شان را به‌رویشان بسته‌اند. ما معتقدیم که مدرسه محل علم‌آموزی است و باید بنا به خواست دانش‌آموزان باز بماند و دراختیار دانش‌آموزان باشد تا با مبارزه بر علیه ناآگاهیها، فرهنگ متعمد و خلقی در اندیشه‌های ما ریشه دواند.

ما ضمن محکوم نمودن این بخشنامه مصرا از وزارت آموزش و پرورش خواستار لغو آن هستیم و پیگیرانه می‌باشیم که هیچ بخشنامه‌ای را بدون در نظر گرفتن خواست دانش‌آموزان صادر یا لغو ننماید.

گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانهای تهران

در زمانیکه شعله‌های انقلاب خونین خلقهای ایران می‌بایستی به همراه دستاوردهای بحق خونهای ریخته شده باشد، نهادهای غیردموکراتیک در گوشه و کنار کشورمان و هر پیرامون مسائل مختلفی که شاهد آنها هستیم ریشه گرفته است تا ریشه‌های آزادی و دموکراسی را در میان خود بگیرد و از بین ببرد.

ما دانش‌آموزان می‌پرسیم که مبارزه مردم ما بر علیه چه نظامی و چه نهادهای ضد خلقی‌ای بود؟ مگردشمن ما امپریالیسم جهان‌نوا و عمال داخلی‌اش نبود و مگر مشتبه‌ای ما بر علیه فرهنگ استعماری و انحصاری رژیم سرپا وابسته گذشته نبود؟ مگر نه اینکه مدارس در زمان شاه منفور، زندان فرهنگ متعمد و در مقابل محل تاخیر و تاز پوسیده‌های فرهنگ استعماری بود و مگر نه اینکه دانش‌آموزان کشورمان به همراهی زحمتکشان و مردم ستمدیده‌همنبرد شدند تا به همراه دفن رژیم گذشته، فرهنگ پوسیده‌اش را نیز دفن کنند؟

ما دانش‌آموزان یاد گرفته‌ایم که چگونه از حق خود دفاع کنیم و دیگر هیچ نیرویی یارای آنرا نخواهد داشت تا جلوی رشد ما را بگیرد. در چنین اوضاع و احوالی است که

درین صفحه مقالات و نامه‌هایی از خوانندگان و دوستان پیغام امروز منتشر می‌شود که در همین داشتن افق مشترک با روزنامه - دفاع از آزادی و استقلال عقیده سیاسی - چه بسا برداشتهای آنها از مسائل با مشی ما یکی نباشد و ما به حرمت آزادی عقیده، این نظرها را منتشر می‌کنیم.

سراب

چرخش باور بودم دیروز ،
که گفتم ای آزادی سلام ،
ولی اکنون بعد از بلند شدن
صدای بلندگوها ،
سیماها، صداها را می‌گویم
با خود گفتم آن چه من دیدم
بیژن

آنچه تودیدی، آنچه می‌بینیم
اختناق بود اختناق،
در لباس «صبر انقلابی»
در تن پوش مصلحت
با پاپوش پابرنه‌ها ،
آری ای رفیق، آنچه من دیدم
آنچه تودیدی، سراب بود
سراب.

شریف امامی از حرکت باز مانده بود و کودتای نیم بند نظامی از تلاشی قدرت هیت حاکمه و فرو ریختگی سلطه‌ی بلامنازع امپریالیسم امریکا حکایت می‌کرد. سلطان به لیبرال سنگر مراجعه کرد. روحیه «کاسبکاری» به قضاوت نشست: برد باکی است؟ با سلطنت یا با خمینی که تبلور جنبش انقلابی بود. لیبرال بورژوازی ما مجبور به حرکت شد. دست رد به سلطنت نزد و دهلیز سازش را باز گذارد. به سوی خمینی شتافت و در آستانه‌ی رهبری به در یوزگی نشست، در یوزگی قدرت برای نجات بورژوازی از نابودی کامل. رهبر چون برگشت، قبل از فرود به زمین مهرآباد، برک ۳ ماده‌ای خود را روی میز معامله گذاشت (۱۴ آبان ۵۷). بر روی این برک با خطوط برجسته‌ای نوشته شده بود: زنده باد قانون اساسی موجود، زنده باد سلطنت قانونی. برک ۳ ماده‌ای به عنوان قرارداد دوجانبه‌ی خمینی-سنجایی ارائه شد. «پادشاه» در سطور «موافقت نامه ۳ ماده‌ای» بورژوازی روزنه‌ی امید پیدا کرد. «پادشاه» از برکت حماقت و جهلی که به روابط درونی تحولات اجتماعی داشت، نتوانست بفهمد که لیبرال بورژوا نمایند «کسب» است و در کسب، اصل «سود» است که می‌کند. نتوانست تشخیص دهد که واسط بورژوازی راه «رفت و برگشت» را باز گذارده است. «پادشاه» بعدها فهمید که نباید به لیبرال بورژوا «اعتماد کامل» داشته باشد. و ما در جای خود، اعتراف دکتر سنجایی را در این زمینه خواهیم شنید.

از درون توده‌ی «عوام» طنین افکند و مفهوم آن به سراسر کشور گسترش یافت.

بهار ۱۳۵۷ با باران گلوله بر جنبش‌بالنده شهرستانها و مراسم بزرگداشت چهلیم شهدای تبریز، شهیدان جدیدی برجای گذاشت، و گستره‌ی موج‌های بزرگ شونده‌ی انقلاب، مراسم بزرگداشت را بهانه‌ی هر روزه‌ی نمایشهای توده‌ای کرد، اعتصاب استادان و دانشجویان صنعتی در اردیبهشت ماه بعد جدیدی به مبارزه بخشید و تکانه‌های ضد استبداد عمیق و عمیق‌تر می‌شد. فریاد «مرکب بر امپریالیسم امریکا» از درون دانشگاه‌ها، و از کلاس درسها اوج می‌گرفت. بیدادگری دژخیمان هرچه خشن‌تر، خشم و کینه مردم ژرف‌تر و صفوف رزمندگان فشرده‌تر می‌گشت. تیرماه، ماه تیرها و رگبارها شده بود. سکوت شبانگاه موسسات، جای به ناله‌ی دستگاه‌های تکثیرکننده داده بود. هر صبحگاه، بر در خانه‌های بسیاری از کوچه‌ها اعلامیه‌ای وجود داشت، و در شکاف بعضی از خانه‌ها جعبه‌ای تراز. صدای محکم و امیدبخش مردی بزرگ، از راهی دور، بگوش می‌رسید: صدای دعوت به مبارزه بود، به مبارزه‌ی خونین و قاطع علیه سلطنت وابسته، علیه امپریالیسم که این سلطنت را به خرطوم‌کننده خود تبدیل کرده بود! صدای روح‌اله خمینی بود، صدای یک روحانی که علی‌رغم هزاران روحانی قشری و صدها و صدها روحانی‌نمای خود فروخته، مردم را به سرنگونی بساط ظلم و استثمار فرامیخواند.

بورژوازی ایران و انقلاب

مقالات مسلسلی را که در دوگسروه «جناح راست بورژوازی لیبرال در سراسر سازش» و «جبهه‌گیری بورژوازی لیبرال در مقابل انقلاب» می‌خوانید، و ممکن است چندین هفته ادامه پیدا کند، در واقع حاصل مطالعه و بررسی آقای (ع. ۱۰. محبوبیان) از مسائل جاری ایران در برخورد عینی یا استقرایی با آنهاست.

خوانندگان ما، باشیوه اندیشه و برداشت آقای محبوبیان، بسیار آشنا هستند و درین سلسله مقالات، یقین است که این یار و همکار خستگی ناپذیر پیغام امروز همچنان استقلال نظر دارند و بحث‌هایی که ایشان طرح کرده‌اند، مجموعه پیوسته و یکپارچه‌ی راز بررسی مسائل جاری شش‌ماهه تشکیل می‌دهد، مستقیم نظر ایشانست.

جناح راست بورژوازی لیبرال در سراسر سازش (۷)

و اما مشی جاری دولت‌مردان بورژوازی لیبرال از سیاست عمومی رهبری جبهه ملی ریشه‌گرفته و تاروپود آن در مجالس «دوستانه»ی این جبهه یافته و رنگ آمیزی شده است. برای آشنائی با ساخت سیاسی رهبری جبهه ملی کافی است که به خط حرکت و محتوای حرکت آن در یک سال و نیم اخیر دقت نمائیم. در این زمینه از بحث، ما به خود اجازه می‌دهیم که گفته‌ها، ژست‌ها و اعلامیه‌های آقای دکتر سنجایی را به عنوان تجسم خط مشی رهبری جبهه ملی بشتاسیم و هر جا که لازم باشد، نام ایشان را مترادف و هم‌وزن با تمامی رهبری جبهه به کار ببریم، و برای برحق بودن خود به دو دلیل استناد می‌جوئیم: اول آنکه ساخت یک جبهه سیاسی ایجاد می‌کند که مسایل مهم و نقطه نظرهای اصلی بوسیله‌ی سخنگوی جبهه ارائه شود در حالی که ما، هیچگاه سخنگوی رسمی جبهه ملی را در این رابطه، فعال ندیده‌ایم و همیشه دکتر سنجایی بوده است که نه به نام شورای اجرائی جبهه بلکه به نام خود در برابر مطبوعات قرار داشته و یا زیر اطلاعاتی مهم را امضا کرده است. دوم آنکه تا این‌اواخر (تا جدائی حزب ملت ایران از جبهه ملی) هیچ یک از صاحب نظران و اعضای کادر رهبری جبهه، به رفتار سیاسی و تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی آقای سنجایی اعتراضی وارد نکرده‌اند.

آیت‌اله خمینی از آزادی بشارت می‌داد، و از استقلال، و از ایران زمینی خالی از ستم استعمار و به دور از ظلم استعمار. شعار: «آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی» اول به صورت ززمه و سپس به صورت خواست اصلی نضج گرفت. فضای سیاسی کشور در تیرماه ۱۳۵۷ چنین بود. ولی رهبر جبهه ملی آن‌چنان در گهواره‌ی بدبینی و رخوت فرو رفته بود که از این همه تکانه‌های شدید، حرکتی از خود نشان نداد. حتی در حرکت موثر و درستی که مهندس بازرگان، به شکل «جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر»، در اردیبهشت ماه ایجاد نمود، رهبر جبهه ملی نه تنها شرکت نکرد بلکه با تملل از امضای «اعلامیه تاسیس»، در این حرکت وقفه و کندی بوجود آورد. منشور ۱۴ ماده‌ای ۳۰ تیر ۱۳۵۷ نخستین نفسی بود که از حیات جبهه ملی به مردم اطلاع داد. حیات بود ولی نه حیات اجتماعی، نه آن زندگی که نیرویش را از «عوام‌الناس» بگیرد و محتوایش را با محتوای خواست‌های «عوام‌الناس» تطبیق دهد. متن و روح منشور ۱۴ ماده‌ای اشکارا نشان داد که دکتر سنجایی نه سخنگوی یک «جبهه» بلکه سخن‌گوی یک «مجلس دوستانه»ی خصوصی است. جناح راست بورژوازی لیبرال نشان داد که با مردم تماس ارگانیک ندارد و ادراکش در محدوده‌ی «بگومگوهای دوستانه» در اطاق پذیرائی «زندانی» مانده است. در شعارهای کوچکی و خیابانی، که بر فراز رگبار مسلسل‌ها و صدای مقطع تارننگ‌های گاز اشک آور موج می‌زد، سخن از امپریالیسم بود و مرک او، سخن از رژیم دست‌نشانده‌ی سلطنتی بود و لزوم سرنگونیش، سخن از شکنجه‌های استبداد بود، و از سرکردگی مستشاران خارجی در قتل عام خلق‌ها، و از محتوای اسیرکننده‌ی قرار دادهای نظامی-اقتصادی امپریالیسم و از ستمی که بر خلفا و فلسطین می‌رفت. اما اعلامیه ۳۰ تیر دکتر سنجایی فقط از فواید مشروطه صحبت می‌کرد، و از این که پادشاه بهتر است سلطنت کند نه حکومت، و از پند و نصیحت به دستگاه حاکمه و از این که کدام گروه یا کدام شخصیت‌ها اجازه دارند در افتخارات حال و آینده‌ای جبهه ملی ایران خود را سهیم بدانند. نظام مستقرش در درون مرزهای ایران، در اعلامیه وجود نداشت. بین خواست‌های طرح شده‌ی توده‌ها و مسایل مطروحه‌ی بورژوازی لیبرال، هیچ خط ارتباطی دیده نمی‌شد. کوچه‌ها و خیابان‌های غرب تهران به خون برادران شهید ۱۷ شهریور رنگین شد ولی نه رنگ سرخ فام، اسفالت‌ها و نه غرش تانکها و صدای مداوم مسلسل‌ها، نتوانست بر خط مشی لیبرال‌های بورژوا تأثیر محسوسی بگذارد. گسترش و تعمیق امواج انقلاب موضوع ساعت و دقائق «ماشین «آشتی ملی»

و این سخن سخنگوی سابق جبهه ملی (فروهر) برداشت ما را تأیید می‌کند: «در جبهه ملی، مبارزه انحصار پیدامی‌کرد به گروهی دوست و دارای روابط خصوصی، که اینها نیز از طریق گروه اجتماعی با توده‌ی مردم در رابطه‌ی مستقیم نبودند ...» (اطلاعات ۲۸ و ۲۹).

بر گردیم به تاریخچه‌ی یک سال و نیم اخیر جبهه ملی. پس از شکست قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، سکوت و تسلیم آمیخته با یاسی و بدبینی، خمیر مایه‌ی خط مشی جبهه ملی شد. جناح راست بورژوازی اشکار اعلام کرد که استقلال و موجودیت کشور بر دو پایه قرار دارد: دیانت و سلطنت. ریشه‌ی اجتماعی این مشی سازشکارانه را باید در عدم اعتقاد به مردم و نیروی توده‌ها دانست و ریشه‌های اقتصادی‌اش را در بالا رفتن سهم بورژوازی «خودی» از غنایم جستجو نمود. نمایش خشن و وسیع مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، که تا سطح اشغال پاره‌ای از مراکز دولتی اعتلا پیدا کرد، ضربه‌ی سرگباری بر این خط مشی وارد نمود. در جریان همین نمایش قدرت بود که شعار خود جوش «شاه چهار ساله می‌خواهیم»

چنین است بافت رهبری جبهه ملی، بافتی که با نام یکی از بزرگان تاریخ ایران، با نام مصدق تزئین شده است رهبری جبهه ملی در زیر وجاهت ملی این قهرمان ملی رشد کرد و چون خواست روی پای خود حرکت کند، دامن مادر را آلوده نمود. در این رابطه است که فروهر می‌گوید: «تام مصدق را گرفتن و به عنوان تجلیل از او، سیاست هائی جز سیاست هواداری از تداوم نهضت تعقیب کردن از نظر من یک نوع سازشکاری است». توده‌های این سازشکاری رهبر، چنان آشکار و غیر قابل دفاع است که ابوالفضل قاسمی، حتی به هنگام دفاع از رهبری جبهه ملی، نمی‌تواند مورد اتهام را نفی کند و بسا شیوه‌ای که گوئی با طنز «به بخشید، نمی‌توانم جز این چیزی بگویم» آمیخته است از متمم به این صورت مدافعه می‌کند: «من معتقدم جبهه ملی اکنون - نسبت به گذشته‌اش موضع نسبتاً قاطعی گرفته است». و این «اکنون» مصادف است با ۲۸ و ۲۹ خرداد ۵۸.

پس از گذشت ۱۲۷ روز از دگرگونی انقلاب است که ابوالفضل قاسمی به ناچار اعتراف می‌کند که «ما این موضع (موضع جبهه ملی در رابطه با انقلاب و مسیر آن هنوز از لحاظ قاطعیت کامل نیست. باید با قاطعیت بیشتر موضع خود را روشن کند» (آیندگان ۲۸ و ۲۹ خرداد ۵۸). تا این لحظه، هیچ ارگان یا فرد مسئولی از رهبری جبهه ملی حاضر نشده است که در برابر اتهامات وارده از طرف سخنگوی سابق جبهه، به دفاع برخیزد. فروهر رهبری جبهه ملی را متمم می‌کند که «سیاست‌های فرصت طلبانه‌ی در برابر انقلاب گرفته است» که رهبران جبهه «۱۵ سال صحنه مبارزات ملت ایران را بطور در پست ترک کرده بودند و حتی عده‌ای آنان در تاروپور نظام حاکم گذشته شخصیت والا داشتند و به همه جا رسیدند»، که «۱۵ سال در خانه‌ها نشستند و امروز به ما منت گذاشته‌اند و می‌خواهند به صف مبارزه بییوندند. اینها همان مجاهدان به اصطلاح روز یکشنبه هستند». فروهر باشیوه‌ی کنایه و اشارت به دکتر سنجایی اشاره می‌کند که «با جهت گیری خودسرانه فردی و از میان بردن رهبری جمعی، جبهه ملی را از حالت یک پایگاه مبارزاتی نیرومند، بیرون آورد» (اطلاعات ۲۸ و ۲۹ خرداد ۵۸).

و ما به مدارک سازش‌هایی که «مقام والا» بخشید و سازشکاران لیبرال بورژوازی را به «همه جا رسانیده» مراجعه خواهیم کرد، مدارکی که در زیر آن نام سبیلیک بورژوازی لیبرال، دیده می‌شود. ع. ۱۰. محبوبیان

نقد کتاب وقایع سی ساله اخیر در ایران تالیف: بیژن جزینی

چه خیال میکنی پیرومرد؟ اگر قدرت، خود را به تعلق تسلیم کرد، وظیفه، از سخن گفتن هراس دارد؟ شکسپیر شاه لیر

از ده سالگی به مبارزه پیوستن، در مکتبها و حوادث گوناگون کشور خود تعمق کردن، مجهز باندیشه علمی و تفکر علق، از همه مهتر ریشه در خاک داشتن نه دستی دور از آتش، از تئوری به عمل و از عمل به تئوری تا شهادت... این چکیده زندگی و آثار «بیژن» است که بدور از هرگونه تشک نظری و تعصب در طول زندگی کوتاه و پرثمر خود از آن دست برداشت. وقایع سی ساله اخیر در ایران دردشناسی تمام احزاب و جنبشهای سیاسی ایران از سی سال پیش تا این اواخر است.

«بیژن» مانند خیلی از روشنفکران برج عاج نشین نیست که مثنی فرمولهای ساخته و پرداخته دیگران را قسر کرده و هرگونه راه حل و برنامه‌ای را در چهارچوب آنها درست بدانند. در صفحه ۶۰ کتاب بصراحت قید میکنند که: این نحوه برخورد فاقد

وقایع سی ساله اخیر در ایران

عصمت دیالکتیکی شناخت است... این رفقا توجهی ندارند که باید تئوری بازگو کننده واقعیت باشد نه واقعیت برده فرمولهای تعیین شده در فلان یا بهمان موقعیت اجتماعی - اقتصادی و تاریخی... عبارت دیگر تئورسین یا روشنفکری که از واقعیات جامعه خویش بدور باشد همان ساکن برج عاج است که در پروسه تساریخ محکوم به شکست است، اگر «ماتو» طبق دستور استالین در چهار چوب «مارکسیسم دگم» میماند و به بومی کردن ایدئولوژی با ارتباط چین نمی پرداخت انقلاب چین به نتیجه نمیرسید.

بیژن در سراسر کتاب به «تضاد» مهمترین مسئله اجتماع که به تحرک نموده او برخورد طبقات منتهی میشود اشاره میکند و به تضادهای جامعه - تضادهای درون جنبه ضد خلق - تضادهای سیستم سرمایه داری وابسته - تضادهای درون خلق - می پردازد.

محور کتاب بر اساس سلطه مطلق «بورژوازی کمپرادر» یا سرمایه داری وابسته میچرخد. از علامت بیماری تمام کشورهایی است که از چپاول همه جانبه امپریالیسم عمیق در رنج اندر پروژه صنعتی و کشاورزی هر برنامه بظاهر انقلابی مثل اصلاحات ارضی و تحولات سیاسی روینائی در جهت منافع سرمایه داری وابسته است.

سرمایه داری وابسته از زمانی که در این گوشه دنیا پا گرفت به سرکوب تمام جنبشهای ملی ایران و منطقه پرداخت بورژوازی ملی یا مجبور بود باین دستگاه جهشی بپیوندد یا تن بنا بودی دهد.

در سرمایه داری وابسته طبقه حاکم در هر موقعیت به بهره کشی و استثمار خلق مشغول است «فقط رنگ عوض میکند: باین ترتیب صاحبان کارخانه «مثلا ایران ناسیونال» همان نفوذ آنها هستند و کارگران آنها همان رعیتها، مزرعه جایی خود را به کارخانه داده و محصولات کشاورزی جای خود را به محصولات صنعتی (ص ۶۰) مهمترین نمود رشد بورژوازی کشاورزی واحدهای عظیم کشت و صنعت، مجتمعهای بزرگ گوشت و لبنیات است. نمونه عالی این واحدها، واحد مشترک آمریکائی ایرانی هاشم اراقی در اراضی زیر سد دز است.

صدها میلیون بودجه دولتی قبلا سیستم آبیاری سدین را فراهم کرده و به بهای نازکی در اختیار سرمایه خصوصی و خارجی قرار داده است. دهقانان ناچار شده اند اراضی تقسیم شده را به شرکت واگذار کنند. (ص ۱۰۹)

«بیژن» سطر به سطر ماهیت استثمارگر سرمایه داری وابسته را که چون «اختاپوس صدپا» همه جا ریشه دو اندیده برملا میکند. او در تحلیل تمام تشبیب و فرازها و جنبشها خصوصاً شکست ۲۸ مرداد بیطرفی را پیشه کرده و با دیدی کاملا علمی به بررسی آنها میپردازد.

او بمدد بیش علمی و تفکر خلاق خود خواننده را گام به گام با تمام نهضتها و جریانات سیاسی زمان آشنا میکند و گرایش اترالی و نسنجیده ای نسبت بهیچ جناح ندارد. این پویائی اندیشه و توان باخلاقیت و انعطاف انقلابی در برابر مسائل نشان میدهد که وی تمام قشرها و طبقات گوناگون جامعه خود را عمیقاً میشناسد و از نقشی که هر یک می توانند در جهش انقلابی باز کنند آگاه است حتی قشر «لمپن» یا اوباش را بابینش خاص خود مسورد بررسی قرار میدهد. قشری که در لحظه حساس تاریخی کشور مادوباره تحت عنوان «جماق بدستها» با آن روبرو هستیم - بیژن می نویسد:

چشمگیر تر از همه در کودتای ۲۸ مرداد نقش لمپن پرلتاریا بوضوح بچشم میخورد. در این کودتا اوباش، فواحش و دیگر قشرهای لمپن، زیر حمایت ورهبری پلیس و ارتش دست به تظاهرات ضد انقلابی زدند، شعبان بی مخ و طیب سرشناس ترین زعمای این قوم بودند...

اما از آنجا که انسان تابعی از محیط خود است «لمپن پرلتاریا» هم در شرایطی که جنبش انقلابی، توده ای میشود، امکان می یابد مانند دیگر قشرهای محروم جامعه در انقلاب نقش مثبتی بازی کند. (ص ۱۸۸)

جالب اینکه فرهنگ ما تا بحال بنا به عصبیت ضد فرهنگی خود فرهنگ لمپن ها بوده و رژیم از این گذر سود فراوان برده.

مرور کوتاهی برسینمای ایران خصوصا «فیلم فارسی» و رواج «عشق لاتنی» و لهجه حافل بین همه طبقات خصوصا طبقات پائین، کافه های متعدد ساز و ضربی با سم هنر مردمی، مشهور ساختن اوباش و فواحش با سم خواننده کوچک و بزاز و خواننده خاکی، عرق سگی، دود و دم و اعتیاد، همه فرآورده این فرهنگ است. یعنی تحمیق عوام با سم هنر عوام...

در تمام طول تاریخ همیشه «لمپن» از ارتجاع تغذیه میکرده و ارتجاع از «لمپن» این رابطه ساده دیالکتیکی بین این دو همیشه چماقی بوده برای خرد کردن اندیشه های نو و گروههای پیشرو. در صدر مشروطیت یکی از «لمپنها» تیریز قصد ترور «ستارخان» را داشت. در تهران همان زمان «لمپنها» با حمایت و پول محمد علی شاه چماق بدست راه افتاده بودند و فریاد میزدند: ما دین می خواهیم مشروطه نمی خواهیم

در دوران قبل از ۱۳۳۲ «لمپنهایی» چون «امیر موبور» در بهم زدن تظاهرات گروههای پیشرو نقش اساسی داشتند. هر جا ارتجاع است «لمپن» است. لمپن پیشاهنگ ضد انقلاب است امروز نماینده های هنری را بهم میزند به کتابفروشی ها حمله میکند. در توله «نازیسم» پیراهن سیاههای نازی یا بعبارت دیگر «لمپنهای هیتلری» جشن کتاب سوزان می گرفتند. «راپشتاک» مجلس ملی آلمان را به آتش کشیدند و تقصیر آنرا متوجه گروههای دیگر خصوصا کمونیستها نمودند و این بهترین بهانه برای هیتلر و گروههای نا آگاه ملت آلمان جهت

سرکوبی حزب کمونیست آلمان و استقرار فاشیسم بود. ارتجاع «لمپن» را در آستین خود میپروراند و سهم مهمی از درآمد مردم را با اختصاص میدهد مثلا «طیب» رئیس جمهور «میدان» میشود و کنترل تمام میوه شهر بدست او و یارانش می افتد اما هنگامیکه در ۱۵ خرداد عده ای از آنها به آگاهی نسبی میرسند و در یک موقعیت بحرانی در صف مردم قرار میگیرند «ارتجاع» برای عبرت سایر «لمپنها» «طیب» و «حسین رمضون بیخی» را به جوخه اعدام میسپارد.

کارگر ما اگر به آگاهی نرسد و پی برسالت خود نبرد یک «لمپن» میشود و با چماق ارتجاع بدست خود تیشه بر ریشه خویش میزند. هر چقدر سواد سیاسی جامعه کمتر باشد وظیفه پیشاهنگ سنگین تر است - شکوفائی واقعی انقلاب از پیوند راستین پیشاهنگ و طبقه کارگر ایجاد میشود. پیام بیژن شاید همان جمله ایست که «دبره» فیلسوف فرانسوی روی آن تاکید میکند:

روشن فکر باید عمیقاً با زندگی قشرهای گوناگون جامعه خود و مختصات تاریخی و اجتماعی و اقتصادی آن آشنا باشد. همانطور که خود بیژن از ده سالگی تا شهادتش با تمام طبقات جامعه خود و جنبشهای آن همگام و همنفس بود و از «اوس محمد بننا» صدها کارگر کم سواد دیگر علی رغم خفقان محیط مبارزینی چون «اسکندر صادقی نژاد» کارگر تراشکار و «یسوف زرکار» و غیره... ساخت که بتاریخ پیوستند.

بیژن جزینی در زندگی کوتاه خود آثار ارزنده ای نوشت که این کتاب چون عمر خود او ناتمام ماند. کتاب را سه یکبار بلکه باید چندین بار بدقت خواند و در باره آن به تفصیل به بحث پرداخت. باشد به مدد چراغی که بیژن افروخت دیگران با اندیشه پویا و خلاق خود راه گشای افقهای روشن تری باشند. بقول پیر ما «نیما»

«چرا دارم ره خود را رها من»
«بخوان ای هم سفر با من»

«منوچهر بصیر»

انحلال مدیریت گیلان به نفع کیست؟

وزارت علوم هیچ دلیلی برای انحلال مدرسه عالی در دست ندارد

باز هم یکی از پرونده های رژیم پهلوی به جریان افتاد. خبری داشتیم که گویا قرار است مدرسه عالی مدیریت گیلان که چندین سال است در لاهیجان فعالیت میکند منحل شود. خبر را نزدیک به یک سال پیش از زبان مسئولان رژیم گذشته شنیده بودیم اما این بار این دولت انقلابی بود که تصمیم به اینکار می گرفت. رژیم شاه می خواست یکجمله از واحدهای آموزشی عالی، از جمله دانشگاه صنعتی شریف را بنحوی منحل کند. اما دست زدن به همان عمل، برای دولت موقت انقلابی که پرویزانهای رژیم سلطنتی بنا شده به چه معناست؟ آیا این عمل در جهت پیشبرد امر آموزش عالی ماست؟ آیا این کار در جهت تخریب آموزش عالی ماست؟ آنچه برای همه روشن است و دولت موقت انقلابی وظیفه دارد به آن بپردازد از فضای امر آموزش و پرورش در همین ماست. رژیم شاه هدفش از تأسیس نهادهایی چون مدرسه عالی مدیریت گیلان بطور عمده چیزی نبود جز اولاً جوا بگویی به نسل تازه از راه رسیده که برایش در تولید و فعالیت ثمر بخش اجتماعی جایی نبود و ثانیاً پرورش «پشت میزنشین» برای انبوه ادارها و موسسه هایی که به بهانه های مختلف یا بودجه دولتی به جامعه تحمیل شده بود. اما تغییر در ساخت و کارکرد چنین نهادهایی باید مسئله اصلی و اساسی سیاست آموزشی دولت موقت باشد. یک چنین نهادهایی باید امکان یابند تا خود را بازسازی کرده و بتوانند در پیشبرد اهداف ملی و انقلابی خلقهای میهنشان کوشا باشند. اما آنچه بهیچ وجه پذیرفتنی نیست انحلال این واحدهای آموزشی است. چرا که دردهایی را که پرشردیم در چارستون آموزش و پرورش کشور ما رسوخ کرده بود و اگر قرار باشد با انحلال این مؤسسات به جوا بگویی این مشکلات بر خیزیم اولاً کوتا هترین و بدترین راه را انتخاب کرده ایم که بهیچوجه شایسته ایران انقلابی نیست دوماً در چنین صورتی باید سیستم آموزشی کشور را منحل کنیم چرا که همه مؤسسات آموزشی کشور یک چنین وضعی دارند.

سیاستهای آموزشی ما به یک دگرگونی بنیادی احتیاج دارد. در این شکی نیست. دولت موقت با تصمیمهایی چون انحلال مدرسه عالی لاهیجان در واقع بر این نیاز سرپوش می گذارد به جای طرح اصولی مسائل و راهیابی منطقی برای حل آنها به همان اقداماتی دست می زند که عمری هویدا می زد و نتیجه اش جز تخریب آموزش چیزی نبود. هم اکنون مذاکرات شورای هماهنگی استادان، دانشجویان و کارکنان مدرسه عالی مدیریت لاهیجان با وزارت علوم به نتیجه نرسیده و اینها اعتصاب نامحدود خود را شروع کرده اند در حالیکه دولت و وزارت علوم هیچ دلیلی برای انحلال مدرسه عالی لاهیجان در دست ندارند، استادان، دانشجویان و کارکنان این دانشکده با نهایت جدیت و پسا انبوهی از دلایل برای ادامه کار و گسترش و تکامل دانشکده، سه خواسته فوری مطرح کرده اند:

- ۱- ابقاء دانشکده
- ۲- پذیرش دانشجوی ۳- رسمی شدن کارکنان
- و آنچه مسلم است اینکه وزارت علوم باید فوراً پاسخگو باشد. مسئله صرفاً حیات یک واحد آموزشی نیست مسئله آموزش عالی ما مطرح است.

نه

گواه زیستنم را
گرچه دستان پرتلاشم
فریاد می زنند،

اما
من تاول تپندهی قلبم را
در برابر خورشید
به شهادت برداشته ام.

بودنم
خود حکایت غریبی ست
که برکتیبهی بلند شب
نیشته پنهان است،

اما
من نمود پرتلاش بودنم را
از صبح کار
تا غروب خستگی

در غریب هر چه به انکارم
در هیاهوست،
بر تودهی رونده در روند زمان
در مکان

ایشان کرده ام.
من در گمان کتاب
افتاده ای به تک

به گرداب مصائبم،
اما
در یقین شهر
و در یاور دمیده بر تارک شهر
خود کاتب سرنوشت خویشتم.

خود اختیار و هوشیار
در برابر زمان
با درک هر مکان
ریشه دوانده در خروش شهر
صف بسته در صف کارگر
باهر دو دست پر
یک تیشه یا تبر
یک داس تیز
یا سپر

این منم
خود اختیار و هوشیار
فرزند زمان خویش
در معبر ستیز
در سایه سار پرچم دستان همشورد
در سازش زندگی

یا توفش سنگین هرنبرد.
بر کالبدم دمیده نفعتهی توده ها
از تابش سرخین ستاره ها،
من دست دوباره ای ترا
ای پسته بسته در سطور مزرعه
ای خسته بسته بر تنور کوره ها
در زیر یک ستاره
به سرخی خون

این منم
- ما -
نور زمین و آسمان
شاخک تپنده ای از جنگل رفیقان

غلامحسین نصیری پور

نظم کارخانه‌ها با چماق بدستان نیروی ویژه تامین نمیشود

در کارخانه ما اختلاف بین مذهبی و غیر مذهبی وجود ندارد

اخیراً اطلاعاتی از گروهی از کارکنان وزارت کار و امور اجتماعی منتشر شده است. در این اعلامیه یادکر نموده‌های زنده و قابل تعمق از اعمال و قوانین مصوبه وزارت کار به آقای وزیر کار اعتراض شده است.

آقای وزیر کار! از زمان تصدی این پست حساس که دفاع از منافع محرومترین طبقات جامعه یعنی کارگران و زحمتکشانش را بر شما محکم میکنند، چه کرده‌اید؟ کدامین گام مثبت را در جهت تامین منافع این طبقه محروم برداشته‌اید؟ شما که به بیبهای خون هزاران شهید از همین طبقه محروم جامعه برمیستند این وزارت تکیه زده‌اید، چگونه پاسخگوی تاریخ خواهید بود. انقلاب خونین توده محروم را چه شکوهند! به سیر دلخواهتان سوق دادید.

این درست است که شما در موضع طبقاتی و آرمانی خود حرکت میکنید و این درست است که خود را مدافع بورژوازی ملی می‌دانید و سالها مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری داشته‌اید، ولی آیا برای استی از مشی رهبر فقید ملی ایران دکتر محمد مصدق پیروی می‌کنید؟ آیا برای استی در جهت آرمان‌های آن قهرمان فقید ملی اعلام می‌کنیم که نه! شما آن فروهر قبل از وزارت نیستید!

این درست است که قدرت بادی کتاتوری و فساد هم‌مسرز هستند یعنی در چنین زمانی اندک؟ تازه آنهم در شرایطی که هنوز مسائل عمده ما حل نشده و حاکمیت شما چندان تثبیت نیست؟ از اوضاع وزارت خانه فعلا چندان نمی‌گوئیم، هر چند که مشن نمونه خروار است و از همین محیط ناسالم می‌توان نمونه برداشت چرا که هنوز برخی از عناصر فاسد و سر سپردگان رژیم منفور گذشته در راس حساسترین پست‌های اداری مشغول انجام وظیفه! هستند. موضوع دیگری ما را واداشت تا موضع فعلی شما را مشخص کنیم. مادام که کارخانه‌ها ملی نشده‌اند و بسته‌اند. پس دفاع از این کارخانه‌ها، دفاع از سرمایه‌داری وابسته است، نه ملی! «چون سرمایه‌داری ملی در حد کارخانه بزرگ نداریم و اگر هم سرمایه‌داری ملی وجود داشته باشد در زیر فشار همین سرمایه‌داری وابسته ناتوان شده است و در رقابت با قطب‌های استعمار به حساب نمی‌آید».

شما در اولین قدم ساعات کار کارگران را در هفته ۴۸ ساعت اعلام نمودید آنهم جهت خدمت باین کارخانه‌ها! در صورتیکه تعدادی از کارخانه‌ها در اثر مبارزات کارگران در همان زمان طاقت به دو روز تعطیل و ۴۰ ساعت کار در هفته رسیده بودند.

و شما این را در پوشش شعارها و تهدید به این طبقه محروم تحمیل کردید. بارها به کارگران متحصن که خواستار حقوق حقه خود بودند حمله شد و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند، در حالی که اگر این حملات بدستور شما نبود لاقلاً موضع خود را بتوان کسی که در راس وزارتخانه‌ای است که موظف بر رعایت حقوق کارگران است در مقابل چنین

اعمال ضد کارگری اعلام نمودید. آقای وزیر کار! تازگی به پیشنهاد وزارت کار نیروی ویژه (که یادآور نیروی مخصوص ضربت شاه خائن است) تنظیم روابط کار! برای کارگران تدارک دیده‌اید. مبارک است!

آقای وزیر کار! نام «نیروی ویژه» تنظیم روابط کار» خیلی عوام‌فریبانه است و درست این بود که می‌گفتند سازمان اطلاعات و امنیت کارفرما که از حمایت صد در صد هیئت دولت بخصوص وزیر کار دولت انقلاب برخوردار است. نگاهبانی از روابط کار دیگر چه صیغه‌ایست؟ آنهم بی‌اساس قوانین و مقررات مربوط!

کدام قوانین؟ همان قوانین ضد کارگری رژیم گذشته؟ کارگر ایرانی انقلاب نکرد که همان قوانین ظالمانه گذشته حاکم بر روابط تولیدی و فضای کارخانه‌اش باشد.

کارگر ایرانی قبل از این تصویب نامه‌ها نیازمند قوانین متناسب با روح جامعه انقلابی ایران است و این از میرمترین وظایف شماست. نه اینکه بجای رسیدگی به ریشه‌ها و علل نابسامانیها و فراهم نمودن زمینه‌های مناسب جهت رفع استمار و مشکلات این طبقه محروم بخواهید دست‌وپای این محرومیت کشیده‌ها را در پوست گردو بگذارید. نه! موفق نمی‌شوید تاریخ‌ها آموخته که، با این شیوه رده‌بجائی نخواهید برد مگر اینکه مقاومت را بیشتر می‌کنید. کارگر امروز، تجارب انقلابی کسب کرده در بطن هر کارخانه سندی کاتی و در هر منطقه‌ای اتحادیه‌ای دارد. اگر فشار نتیجه‌ای مطلوب حاصل می‌کرد از محروم‌ها خائن دیکتاتور تر نیست و دیدید که چه سرنوشتی داشت. این سرنوشت محروم رژیم های دیکتاتوری است. در ماه ۲ آمده است وظایف نیروی ویژه عبارتست از مراقبت نظم و انتظام کارگاه‌ها و کارخانه‌ها در اجرای دستور مقامات صلاحیت‌دار وزارت کار در تمامین مقاصد ماده ۱ جلوگیری از دخالت‌های کمیته‌های اعتصاب یا شورای کارکنان و نظاره کردن در مدیریت موسسات و انتصابات.

نظم و انتظام کارگاه‌ها و کارخانه با چماق و اسلحه تامین نمی‌شود و اگر بشود - وقتی است و گذرا نظم و انتظام کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را نه چماق بدستان نیروی ویژه که ضابطین دادگستری هم هستند! بلکه عدالت اجتماعی برقرار می‌کند. کارگران خود بهتر از من و شما و نیروهای ویژه‌تان افراد و سازمان‌های غیر مسئول تشخیص می‌دهند. در مورد جلوگیری از تحریک عوامل ضد انقلاب و تعطیل کارگاه‌ها توسط نیروی ویژه، مادام که کارگر بحقوق حقه خود نرسد عوامل ضد انقلاب متاسفانه می‌توانند بر انقلاب ضربه وارد کنند. در تصویب نامه آمده است، (جلوگیری از دخالت‌های کمیته‌های اعتصاب، شورای کارکنان و نظارت بر مدیریت موسسات و انتصابات) این جمله ماهیت فاشیستی و خلاف دموکراسی تصویب نامه را برملا می‌سازد هر چند که تلاش شده با انتخاب کلمات (کارکنان) و (نظائر آن) بجای (کارگران) بجای (سندیکا) از بار دیکتاتوری آشکار آن بکاهند، و

کنگره اتحادیه سراسری شوراهای اسلامی کارکنان شرکت‌های تابع و وابسته به سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران پایان یافت. خبر شروع کار این کنگره را در روزنامه داشتیم. در جریان این کنگره با نمایندگان کارخانه‌های مختلف به گپ نشستیم، در زیر فشرده‌ای از آنچه که در کارخانه بافکار گذشت می‌خوانید.

یکی از نمایندگان بافکار می‌گفت: بعد از انقلاب مدیر عامل کارخانه چون سواستفاده‌هایی کرده بود برکنار شد. يك هیئت سرپرستی مرکب از ۷ نفر - ۳ نفر کارمند و ۴ نفر کارگر که مدیریت شرکت را بصورت موقتی به عهده گرفت.

شورا شروع به تجدیدنظر در قراردادهای مدیران گذشته نمود و تمام قراردادهای را لغو کرد و وقتی که کارگران و کارمندان مدیریت کارخانه را به عهده داشتند تا ۵ میلیون به درآمد شرکت افزوده شد. باید اشاره کرد موقع بیرون کردن مدیر عامل - احمد سالم آنقدر سواستفاده کرده بودند که حقوق کارگران هم در صندوق نبود، شورا فعلا نه کار کرده، حقوق گذشته کارگران را داد ۲۵۰ تومان حق معاش را پرداخت کرد. ۱۸ نفر را تصفیه کرد و ۴ نفر را در اختیار کارگزینی گذاشت.

در ارتباط با هیئت اجرایی سازمان گسترش و توسعه صنایع که قبل از کنگره سوم انتخاب شده بود اکیپ‌های پزشکی، بهداشتی، رفاهی و تعویض دستگاههای فرسوده که ایجاد سر و صدای زیاد می‌کرد و سپس رسیدگی به وضع مالی گذشته تشکیل شد و شورا کارش را به درستی پیش برد. نماینده بافکار تاکید کرد که در کارخانه با هیچ اختلاف مذهبی و غیر مذهبی وجود ندارد و عده کوچکی که می‌خواهند بین کارگران تفرقه افکنی کنند با تمام قدرت رانده می‌شوند.

کارگران بافکار يك نشریه داخلی منتشر میکنند که در آن مسایل کارخانه را به اطلاع همه کارگران می‌رسانند.

ناظم حکمت «خبر»

خبر آمد از آنجا از آنها: پیراهشان کثیف نبود خم بر ایرو نداشتند تنها کمی، ریششان بلند شده بود. میدانم که مقاومت کرده بودند، نگفته بودند: «سوختیم» نگفته بودند «کافیت» می‌دانم که با چشمان خندان به «طرف» نگاه می‌کردند. در شقیقه‌هایشان جای يك زخم تازه بود، اما خم بر ایرو نداشتند تنها، کمی ریششان بلند شده بود. ترجمه: ایرج نوبخت

با این تصویب نامه می‌خواهند کمیته‌ها و شوراهای سندیکاهای کارگری را در مقابل هر نوع تحمیل و تهمی مدیران و صاحبان کارخانه‌ها عقیم سازند. ماجمی از کارکنان وزارت کنار از هم اکنون مخالفت خود را با این طرح ضد انقلابی که بدست عناصر سرسپرده رژیم گذشته که اکنون در کسوت انقلاب در وزارت کار مشغول هستند تهیه شده و متاسفانه وزیر کار آنرا تائید نموده است اعلام داشته و این طرح فاشیستی و ضد کارگری را محکوم می‌کنیم.

اعتصاب کارگران پیمانکاری به سبب بی نتیجه ماندن مذاکراتشان هنوز ادامه دارد. اعتصاب کارگران پیمانکاری صابری کارگران شرکت پیمانکاری ایمنو کو وابسته به شرکت نفت که از نیمه تیر ماه شروع شده، گروه تازه‌ای را به صف اعتصاب کنندگان شرکت های پیمانکاری که خواستار خلع ید پیمانکاران و رسمی شدن هستند اضافه می‌کنند. اعتصاب این کارگران هنوز ادامه دارد. گروهی از کارگران پیمانکاری در تاریخ ۵۸/۳/۲۲ دست به اعتصاب زده بودند که علیرغم سفرهای اعزامی وزارت کار راه حلی پیدا نشده بود، کارگران پیمانکاری صابری (۱۸۰ نفر) و ایمنو کو (۲۸۰ نفر) خواستهای خود را به این شرح اعلام کرده‌اند: ۱- بازگشت نماینده علی الیدل کارگران بر سر کار که از فروردین ماه ۵۸ اخراج شده است. ۲- خلع ید پیمانکار و قرار گرفتن کارگران زیر پوشش رسمی شرکت نفت. ۳- برقراری چهل ساعت کار در هفته و تعطیل روز پنجشنبه. ۴- افزایش حق مسکن تا میزان ۱۲۰۰۰ ریال. ۵- افزایش حق خواروبار تا میزان ۲۵۰۰ ریال. ۶- افزایش حق ایاب و ذهاب از مبلغ روزانه ۱۰۰۰ ریال به میزان قابل قبول. ۷- تجدید نظر در میزان پرداخت حق بالاروی. ۸- پرداخت حق آلودگی محیط. ۹- پیاده کردن طرح طبقه بندی مشاغل با معیارهای درست از زمان تصویب طرح تاکنون.



کارگری

نامه سرگشاده گروهی از کارگران بیکار ارومیه به وزارت کار: وقتی از حقوق مان دفاع میکنیم به ما می‌گویند ضد انقلابی

گروهی از کارگران بیکار ارومیه طی نامه سرگشاده‌ای به وزارت کار که رونوشت آن به روزنامه پیغام امروز رسید به روش وزارت کار در رابطه با مسائل بیکاران اعتراض کردند. در این نامه آمده است: ما کارگران بیکار ارومیه برای دریافت وام بیکاری بدتی است که به اداره کار و امور اجتماعی مراجعه کرده‌ایم. این اداره برای دادن وام کلاسهای کارآموزی به مدت يك هفته ترتیب داده است ولی برخلاف گفته اولیه اداره کار که منظور از تشکیل اداره، کارآموزی و آموزش حرفه کارگران است، هیچ خبری از کارآموزی نیست بلکه چنانچه در خود اداره کار هم بعداً به ما گفتند این کلاسها فقط به این خاطر تشکیل شده است که بدانند ما کارگران واقعا بیکار هستیم یا نه؟ در صورتی که برای فهمیدن این موضوع هیچ احتیاجی به تشکیل کلاس نیست بلکه از روی فرم وام بیکاری و همچنین تحقیقاتی که شده است می‌توان به آسانی به این موضوع پی برد. در ضمن در این کلاسها با حرفهای اهانت آمیز ما را تهدید می‌کنند مثلاً مسئول کلاس به ما می‌گوید: «انقلاب کرده‌ایم و اینهمه شهید داده‌ایم ولی هنوز هم شما آدم نشده‌اید» و وقتی ما از حقوق خودمان دفاع می‌کنیم به ما ضد انقلابی می‌گویند و ما را تهدید می‌کنند که تحویل کمیته امام می‌دهیم و حتی ما را به یاد شکنجه‌های شرم‌آور ساواک می‌اندازند. مثلاً به ما می‌گویند «دل‌تان پیسی می‌خواهد!» باتوجه به این مسائل ما به تشکیل این کلاسها اعتراض داریم و خواستاریم که در این کلاسها یا به ما آموزش بدهند و یا تعطیل کنند و وقت ما را نگیرند چون وقت ما در کلاسها تلف می‌شود و نمی‌توانیم در جستجوی کار برویم.

برخلاف ادعای وزارت کار که از طریق روزنامه‌ها و رادیو اعلام کرده بود به همه کارگران بیکار اعم از آنهایی که دفترچه بیمه دارند و آنهایی که دفترچه بیمه ندارند وام بیکاری پرداخت می‌کنیم با بهانه‌های مختلف از پرداخت وام خودداری می‌کنند.

اولاً به آنها که دفترچه بیمه ندارند وام بیکاری نمی‌دهند و معلوم است که این عده در کلاس نیز شرکت ندارند، ثانیاً آنهایی که دفترچه بیمه دارند به بهانه‌های مختلف از گرفتن وام محروم هستند از جمله اینکه دفترچه شما مهر تمدید ندارد و یا اینکه فقط شش ماه است که بیمه شده‌اید و باید یکسال تمام بیمه باشید تا وام بیکاری به شما تعلق بگیرد و حتی روز شنبه ۹ تیر ماه ۵۸ که برای گرفتن وام به اداره کار رفته بودیم به این بهانه‌ها به ما وام ندادند وقتی اعتراض کردیم دو نفر مسلح از کمیته‌ها آمدند که چرا شلوغ کرده‌اید. حال ما کارگران بیکار از دولت می‌خواهیم که به خواسته‌های بر حق ما که داشتن کار و یا گرفتن وام بیکاری است رسیدگی کند.

ناظم حکمت طرح منزل نزدیک است چیزی دگر به روز رهایی نموده است بنگرید! لحظه رهایی شرق دستمال خونین را بسوی ما تکان میدهد. و اسبهای سرخمان ناف امپریالیزم را نعل کوب می‌سازد. ترجمه: ایرج نوبخت

اشتراک روزنامه برای هم میهنان خارج از کشور روزنامه پیغام امروز را می‌توانید مشترک شوید، روزنامه هفته دوبار با پست هوایی ارسال خواهد شد. برای اشتراک فرم زیر را پر کرده و همراه با حواله بانکی به صندوق پستی شماره ۴۱/۲۶۶۷ ارسال دارید. اشتراک شش ماهه ۳۹۰۰ ریال اشتراک یکساله ۷۸۰۰ ریال

Name نام و نام خانوادگی Adress آدرس City State

دیدار آیت‌الله آل شبر با آیت‌الله خمینی

طبق گزارش رسیده آیت‌الله آل شبر خاقانی روز پنجشنبه به قم رفت تا با آیت‌الله خمینی دیدار کند.

استاندار جدید کردستان

از سوی وزیر کشور، محمد رشید شکیبا به سمت استاندار کردستان منصوب شد.

شیخ محمد منتظری:

آیت‌الله روحانی عامل «سیاه» است

شیخ محمد منتظری در مصاحبه‌ای با روزنامه «سیاه» گفت: آیت‌الله روحانی و دو برادرش انقلابی نیستند بلکه از عوامل سازمان جاسوسی آمریکا «سیاه» هستند.

شیخ محمد منتظری گفت: وقتی توطئه آیت‌الله روحانی فاش شود انقلاب ایران تصفیه خواهد شد.

آیت‌الله روحانی اخیراً گفته بود بحرین جزئی از ایران است. ولی مقامات دولتی ایران با او هم عقیده نیستند.

وزیر خارجه کویت بهتران میاید

در کویت اعلام شد که وزیر خارجه کویت بزودی به تهران خواهد آمد و در مورد روابط دو جانبه و تحولات خاورمیانه مذاکره خواهد کرد. این اولین دیدار یک مقام عالی‌رتبه دولت کویت بعد از پیروزی انقلاب ایران از کشور ماست.

میتینگ چریکهای فدائی خلق

راهپیمایی سازمان چریکهای فدائی خلق که قرار بود ساعت ۶ بعد از ظهر امروز از دانشگاه تهران تا میدان توپخانه انجام گیرد، لغو شد.

در اعلامیه‌ای که سازمان چریکهای فدائی خلق در این متن منتشر کرده است خاطر نشان شده که با توجه به اهمیت آگاهی مردم از نظرات سازمان در این موارد، با تقو راهپیمایی در همان ساعت (۶ بعد از ظهر) در زمین چمن دانشگاه تهران با استفاده از فرصت نظرات خود را نسبت به چگونگی برخورد با قانون اساسی و مجلس خبرگان اعلام می‌دارد.

در حمله مهاجمین به پاسداران ماکو ۴ نفر کشته شدند

پنجشنبه گذشته سارقین مسلح در شهرستان ماکو در نزدیکی مرز ترکیه در محلی بنام خرمن قره به پاسداران انقلاب حمله کرده‌اند و دو نفر از پاسداران در این حمله به شهادت رسیدند. استاندار آذربایجان غربی ضمن اعلام این خبر به خبرگزاری پارس گفت در حمله مهاجمین به پاسداران ماکو ۲ نفر از سارقین نیز کشته شده‌اند. اسامی دو نفر پاسدار شهید خسرو محمودی و صادقی اهل بازرگان اعلام شده است و هنوز هویت سارقین مشخص نشده است. ژاندارمری و پاسداران ماکو در تعقیب سارقین و بررسی چگونگی ماجرا هستند.

مشکین شهر زیر نظر شورای ۵ نفری اداره میشود

تبریز - خبرگزاری پارس - آیت‌الله مسائلی یکی از روحانیون طراز اول شهرستان اردبیل که چهار روز پیش جهت بررسی اوضاع مشکین شهر به آن شهرستان رفته بود در بازگشت به اردبیل گفت: پس‌رغلاف شایعات در مشکین شهر کمونیست وجود ندارد و اختلافی که بین دو گروه شهری و روستایی وجود داشت منتفی شده و رئیس کمیته انقلاب استعفا کرده و قرار است شهر مشکین شهر زیر نظر شورای پنج نفری اداره شود و از افرادی که اسلحه در دست دارند خواسته شده است هر چه زودتر سلاحهای خود را تحویل دهند و در حال حاضر انتظامات شهر بر عهده گروه هفده شهردار محول شده است.

دکتر سامی:

مردم با اسلحه شهادت به جنگ دشمن رفتند

تهران - خبرگزاری پارس - پیش از ظهر دیروز در نشست هفتگی جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) برای بحث در زمینه مسائل روز دکتر سامی وزیر بهداشت و بهزیستی و عضو شورای اجرائی جاما طی سخنانی قدر و ارزش روز تاریخی سی تیر و نقش راکه در حرکت انقلابی ایران داشته است ستود و گفت مبارزات مابین از یک قرن است که از قبل از مشروطه شروع شد و همواره تداوم یافت و در ۳۰ تیر ۱۵ خرداد ۱۷ شهریور و بارها و بارها مردم با اسلحه شهادت به جنگ دشمن رفتند و گرچه بظاهر شکست خوردند ولی نهایتاً پیروزی آفریدند و میتوان گفت یک ملت باشکست مابین است که تجربه می‌آموزد.

دکتر سامی با اشاره به شعار وحدت که مرتباً یکار برده میشود گفت:

انقلابی میتواند تداوم داشته باشد که با یک فرهنگ انقلابی و غنی و وحدت کامل همراه باشد.

متحصنین کانون امروز به کار باز می‌گردند

متحصنین کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پس از ۲۸ روز تحصن و اعتصاب اعلام کردند که در راه دست یافتن به حقوق حقه خود با توجه به این حقیقت دردناک که در طلیعه آزادی و در عصر انقلاب! هرگونه فریاد حق طلبانه‌ای بی‌جواب میماند بنابه پیشنهاد شورای تصمیم‌گیری از روز شنبه ۵۸/۴/۳۰ به کانون باز می‌گردند.

آنان اعلام کردند: بازگشتان در حالی است که هنوز به هیچیک از خواسته‌های برحقمان نرسیده‌ایم. خواستهای صنفی-فرهنگی که از ابتدائی‌ترین حقوق مسلم کارکنان یک سازمان فرهنگی-هنری است.

این ادغام هم

بقیه از صفحه ۱

مگر وقتی که به نوشته روزنامه انقلاب اسلامی، کمیته‌ی در سفارت امریکا تشکیل می‌شود و دست به اعمالی می‌زند که حتی نخست وزیر هم از آنها اظهار بی‌اطلاعی می‌کند، و رئیس کمیته مرکزی و مسئول تمام کمیته‌های چهارده گانه تهران هم تصریح می‌کند که این کمیته را نمی‌شناسد. و فرماندهی پاسداران انقلاب، از بستگی چنین کمیته‌ی بی‌خبر و بی‌سواد به شورای انقلاب می‌شود؟

مشکل تعدد مراکز قدرت، چیز دیگری است و راه حل‌های دیگر نیز دارد. و شکل تازه ادغام قدرت‌ها که خبر خوب آقای نخست‌وزیر بود، چندان خبر خوبی نیست، تجربه نزدیک آقای مهندس بازرگان و اعضای کابینه‌اش صحت این نظر را آشکار خواهد ساخت مشکل عمده این است که در اصل دولت موقت انقلاب و ارگان‌هایش به حاکمیت مردم معتقد نیستند ولی در عمل سازمان‌هایی که می‌دهند و بر خوردهایی که با هم دارند و نوع روابط میان خود آنها سعی دارند متنی بر اصلی باشد که با مخالفت اساسی خودشان رویارو شده است. یا باید شیوه قاطع انقلابی متکی به مردم داشت و یا باید در کسوره راه‌های منتفی به تمرکز مطلق قدرت سرگردان شد.

تکرار ناپلئون سازی

بقیه از صفحه ۱

هیچ ارتش مردمی، به جنگ داخلی، کشانده نمی‌شود. و رهبری آگاه هرگز جواب توقعات منطقی و مستدل را، با گلوله نمی‌دهد. و اینقدر فرصت باقی نمی‌گذارد که درگیریهایی داخلی، و ناشی از مطالبات ستم‌زدگان رژیم سرنگون شده، به حدی برسد که فاصل و حلال آن لشکرکشی بفرمانروایان و ستم‌زدگان امپریالیسم و میلیتاریسم بشمار آید. رهبرانی که جواب مطالبات مردم خودی را با گلوله می‌دهند، ریشه در میان مردم ندارند. و برای آنها، خون آدمی، با خون دیگر جانوران، بی تفاوت است. این قبیل رهبران، از میان مردم برنخاسته‌اند، و اگر ارتباطی با مردم داشته‌اند، از نوع رابطه دژخیم و قربانی‌هایش بوده است. مهندس بازرگان، که سالها ستم‌زندان و استبداد دژخیمان را تحمل کرده است، نمیتواند از شمار این رهبران باشد. و رهبری سیاسی و روحانی انقلاب، که از حلقه ریاضت و عبادت تامل‌محله زندان و تبعید دراز مدت سیاسی را، برای خدمت به‌دین و راهیسی جامعه از ستم امپریالیستی پشت‌سر نهاده، مجال توجع به کشش‌های خشونت‌بار نظامی نخواهد داد.

در تلویزیون، رخنه‌گریها پیدا است. مصاحبه آخر شب با... حسنی، که عامل تحریک و کشتار وحادثه آفرینی در کردستان بوده و تحریک و تشجیع علیه گروه‌های سیاسی و رهبران آن استان، نمی‌تواند بی‌هدف باشد، ولی روزنامه‌ها، که هنوز بر آنها روشنائی بیشن ملی و مردمی جاری است باید افشاگری کنند، و به این بس نکنند که خبری منتشر می‌شود. خبر را باید بعد از اعلام، بیان و تشریح و تفسیر کرد و نظر مردم را درباره آن خواست تا ابهامی باقی نماند. آیا فراموش کرده‌ایم که ناپلئون‌های مستعمراتی چگونه ساخته می‌شوند؟ آیا ناپلئون سازی، از رضاخان میرپنج را فراموش کردیم؟ و آیا تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی صدساله اخیر ایران را در دست، تحت شرایط جدید باید نادیده بگیریم؟ کاش به اندازه وزیر کار، در مسائلی ازین قبیل دقت و حوصله بخرج می‌دادیم. داریوش فروهر در پایگاه نیروی دریایی چه خوب گفت که ارتش انقلاب خود را به درگیریهایی داخلی با مردم آلوده نمی‌سازد و فقط از مرزهای کشور در قبال دشمن خارجی حراست می‌کند.

ملت ما امروز

بقیه از صفحه ۱

سازمان دانشجویان پیشگام اطلاعیه‌ای در مورد دعوت به شرکت در میتینگ روز شنبه صادر کرده است. در این اطلاعیه آمده است: با گرامی‌داشت خاطره مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران در میتینگی که به مناسبت بزرگداشت سالروز قیام ضد امپریالیستی ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برگزار میشود و سازمان نظر خود را بر این امر قانون اساسی و مجلس خبرگان اعلام میدارد شرکت می‌نمایند. و از هم‌میهنان مبارز و نیروهای انقلابی دعوت می‌کنیم که در گردهمایی ساعت ۶ بعد از ظهر شنبه ۳۰ تیرماه در محل زمین چمن دانشگاه شرکت کنند.

دانش آموزان پیشگام اعلام کرده‌اند که ۳۰ تیر، سالروز قیام بر شکوه خلقهای ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی را با شرکت دو می‌تینگی که در زمین

اولین کنکور

بقیه از صفحه ۱

ما دارای آموزشی هستیم که مولود نفوذ امپریالیسم بر جامعه است. دوره آموزش متوسطه به حالتی است که فارغ التحصیلان هیچگونه تخصصی ندارند. در هیچ جای دنیا کلیه فارغ التحصیلان دبیرستان را راهی به دانشگاه نیست، چرا که پذیرش دانشجوی باید بر مبنای نیاز جامعه باشد. اما جالب اینجاست که طبق گفته دکتر پاکدامن رئیس سازمان سنجش کشور هنوز آمار دقیقی از افراد متخصص مورد نیاز در دست نیست.

پس از پایان امتحان با چند تن از داوطلبان گفتگوی کوتاه داشتیم: احمد لطیفی میگوید: ۴ سال است که پی‌درپی در کنکور شرکت می‌کنم ولی علت عدم قبولی‌م را میدانم بیکار هستیم و کنکور را سعی در برابر پیشرفت دانش‌آموزان میدانم امسال اگر قبول نشوم بیه سربازی می‌روم علاج این مساله گسترش ظرفیت و تعداد دانشگاهها و آوردن استادان ایرانی خارج از کشور به مملکت است.

مهنار خوش‌رو که در حوزه دانشگاه تهران امتحان می‌داد گفت: خانهدار هستم، اولین بار است که شرکت میکنم سئوالات خیلی سخت بود مطمئن هستم که قبول نمی‌شوم ولی دانشگاه را دوست دارم!

با مینا دوستی قبل از برگزاری امتحان در دانشگاه صنعتی صحبت کردیم او که کارمند بی‌انگ است می‌گفت: سه بار است که در کنکور شرکت میکنم. ماهیت و کیفیت سئوالات نسبت به سالهای پیش تغییری نکرده است. تصمیم دارم که در رشته علوم بانکی شرکت کنم.

حسن دباغی می‌گوید: من بعنوان یک فرد مسئول به دانشگاه آمدم تا از کم و کیف کنکور با خبر شوم. بنظر من سیاست جدید آموزش باید پیاده شود و این میسر نیست مگر آنکه کنفرانس بنیادی در ساخت جامعه بوجود آید. کنکور وسیله‌ای برای پرانگند کردن استعدادهاست. آنها که شانسی دارند به آموزش عالی راه پیدا می‌کنند و بقیه یا کارمند و یا کارگر میشوند.

ویژگیهای کنکور امسال:

- از میان ۵۴۵ هزار شرکت کننده کنکور امسال، تنها ۲۸ درصد دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان هستند.
- تعداد شرکت کنندگان امسال ۶۴ درصد بیش از سال گذشته بود.
- از هر ۱۳ داوطلب یک نفر شانس ورود به دانشگاه را دارد.
- ظرفیت دانشگاهها برای پذیرش دانشجو ۳۴ هزار و ۷۰۶ نفر است.
- رئیس سازمان سنجش: هنوز آمار دقیقی از افراد متخصص مورد نیاز کشور نداریم.
- بنابه گفته دکتر پاکدامن به احتمال زیاد در نیمسال دوم دانشگاهها دانشجو خواهند پذیرفت.
- ۲۷٪ داوطلبان در تهران امتحان دادند. بعد از تهران پرجمعیت ترین شهرها عبارت بودند از: اصفهان، شیراز، مشهد، اهواز، تبریز، آبادان، رشت و کرمانشاه.

دزد و خوردهای

بقیه از صفحه ۱

ژاندارمری گفت نیروهای ژاندار در گنبد با کردها بوسیله نیروهای ارتش تقویت شده و مشغول پیشروی در جاده (پاکسازی) است. از مهاجمین هستند. در ارتباط با زردخورد «سرم» مقامات مسئول اورمییه اطلاعیه‌ای از مردم خواستند که در تمام مدت شبانروزی آسایش نباشد تا در صورت حمله کرد به شهر از خود دفاع کنند.

بنا به گزارشهای رسیده مناطق قلعه حصار و گردنه نازلی شهرستان اورمییه نیز درگیریهایی صورت گرفته است و هنوز آمار دقیقی از تعداد مهاجمین و کشته‌شدگان در دست نیست.

حقوق استاندار آذربایجان غربی دیروز در گفت‌وگوئی خبرگزاری پارس گفت که هنوز پاسگاه سرزی سرو در محاصره کردهاست و مواد غذایی و بهداشتی بوسیله هلسی کوپتر در اختیار افراد پاسگاه قرار می‌گیرد.

لشکر ۶۴ اورمییه در اطلاعیه اعلام کرده است که از دیروز ۹ تیرماه تأمین امنیت مردم منطقه بر عهده این لشکر گذشته شده و لشکر ۶۴ بوظیفه قانونی و انقلابی خود در این زمینه اقدام خواهد کرد.

آخرین گزارشهای رسیده حاکیست که تبلیغات ملاحظه سنی دارد روحیه ضد کردی در مردم اورمییه بوجود بیاورد شدت گرفته است. ضمناً گزارشی تأیید شد حاکیست که کردهای روستای «بنا» اورمییه بحالت آسوده باش آمده‌اند.

● رادیو ایران اعلام کرده که حوادث «سرو» ۳ نفر کشته و ۶ مجروح شده‌اند. ● گزارشی تأیید شد تعداد کشته‌ها را بیش از ۷ تن ذکر کرده است.

بقیه از - پیچشنبه در گفتگوی تلفنی با پیغام امروز در باره شایعه استعفای اقبال داشت: «من این خبر را نه تأیید میکنم و نه تکذیب» وی گفت روز پنجشنبه تمام مسائل خواهم گفت. اکنون تمام طرفداران من در پادگان‌ها منتظرند ببینند چه می‌شود.

من به آنان پیغام فرستادم که از هر نوع عکس العمل خودداری کنند و الان هم آدم و در دفتر نشسته‌ام تا مراقب اوضاع پادگان خود باشم. از تیمسار رحیمی پرسید: شد ولی در گفتگو با خبرگزاری خارجی خبر استعفا را ظاهر آنجا کرده‌اید و حتی در پاسخ یک خبرگزاری گفته‌اید «عملاً مصلحت بوده است که مدتی بر کنار باشم. تیمسار رحیمی پاسخ داد: من به خبرنگاران داخلی و خارجی در باره استعفایم گفته‌ام: این خبر را نه تأیید میکنم و نه تکذیب

موضوع تقلب به نبود!

یکی از شرکت کنندگان وضع تقلب به نبود!